

بسمه تعالی

جزوه معارف اسلامی (۲)

"محمد رضا ذاکر عباسعلی"

نمای کلی از مباحث مربوط به معارف اسلامی (۲)

بخش یکم (کلیات)

الف) تعریف دین:

- ۱- تعریف عام
- ۲- تعریف خاص
- ۳- تعریف اخص

ب) روش تحقیق در مبانی دین:

- ۱- روش عقلی
- ۲- روش عرفانی
- ۳- روش نقلی
- ۴- روش ترکیبی

بخش دوم: وحی و پیامبری

- ۱- ضرورت نبوت
- ۲- رابطه علم و دین
- ۳- قرآن، اعجاز و مصونیت آن از تحریف
- ۴- خاتمیت
- ۵- قلمرو دین
- ۶- تعدد ادیان

بخش سوم: امامت و رهبری

الف) کلیات:

- ۱- چیستی و حقیقت امامت
- ۲- تعریف امامت از منظر شیعه و سنی
- ۳- تعیین امام

ب) امامت از دیدگاه عقل و نقل

ج) مهدی موعود (عج)

بخش چهارم: مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

- الف) تاریخچه
- ب) ولایت مطلقه
- ج) مشروعیت ولایت فقیه

بخش یکم: کلیات

مبحث اول: تعریف دین

مقدمه:

در اینکه گاهی جنگ الفاظ به جنگ افراد کشیده می شود بحثی نیست بدین لحاظ است که گفته اند: "سرآغاز جنگ انسانها جنگ واژه هاست." از این رو متفکران، بیش از هر اقدامی تعریف واژه ها را پیشنهاد می کنند.

- تعریف دین در:

- ۱- قلمرو دین
- ۲- رابطه علم و دین
- ۳- رابطه عقل و دین
- ۴- و ... نقش عمده ای را داراست

- معنی دین در لغت: کرنش، سرسپاری، پیروی، تسلیم و جزا (پاداش و کیفر) می باشد.

- مفهوم اصطلاحی دین:

مفهوم اصطلاحی دین با توجه به:

- ۱- گوهر و ذات دین
- ۲- منشأ و خواستگاه دین
- ۳- اعتبار تعدد ادیان
- ۴- تفاوت فرم ها و برداشتها، متفاوت است.

با توجه به اصل گزیده نویسی و پرهیز از مباحث جزئی غیرضروری، برای تعریف دین اقسام ذیل ذکر می شود.

اقسام سه گانه:

- ۱- تعریف عام
- ۲- تعریف خاص
- ۳- تعریف اخص

تعاریف اصطلاحی دین

۱- **تعریف عام:** دین مجموعه ای از تعالیم اعتقادی، اخلاقی و قوانین و مقررات است.

ویژگی تعریف فوق: شمول و کلیت

این تعریف از کاربرد این لفظ در قرآن نیز استفاده می شود؛ در قرآن می خوانیم فرعون خطاب به قوم خویش گفت: اَنّی اخاف ان یدلّ دینکم... (غافر/۲۶) من می ترسم که موسی دین شما را تغییر دهد. در آیه فوق دین به معنی آیین بت پرستی و غیر توحیدی آمده است. علامه طباطبایی با الهام از چنین کاربردی در قرآن، دین را به: "راه و رسم زندگی" تعریف می کند.

۲- تعریف خاص: دین به مفهوم آیین قدسی و خدامحور بیان شده است.

ویژگی های تعریف فوق:

الف) شمول تمام ادیان الهی
ب) عدم شمول خدا ناباروان
ج) معارف دسته اول و مهم^۱

۲- تعریف اخص:

یعنی: مجموعه تعالیم الهی که توسط محمد بن عبدالله (ص) در سده هفتم میلادی برای بشر عرضه شده است.

ویژگیهای تعریف فوق:

الف: اعتقاد به خدای یکتا، عدل، زندگی ابدی و ...
ب: برنامه حرکت به سوی هدف که احکام و تکالیف نامیده می شود.

^۱ - مراجعه شود: دین شناسی، ص ۲۵-۳۴، عبدالله جوادی آملی و شریعت درآینه معرفت، ص ۱۱۱-۱۱۸، عبدالله جوادی آملی.

روش تحقیق در مبانی دین

مقدمه:

اهمیت روش شناسی:

ارزش و اهمیت روش شناسی پژوهش در خصوص مبانی و اصول و اندیشه های بنیادی دین بر دین پژوهان پوشیده نبوده و به دلایل ذیل، لازم و ضروری به نظر می رسد:

۱- اثبات حقانیت آیینی بر آیین دیگر

۲- برای تحکیم مبانی اعتقادی

۳- دفاع از باورهای دینی

طرح چند پرسش:

امکان دستیابی به معرفت قطعی در حوزه عقاید و اصول معرفتی دین، چند پرسش را در ذهن زنده می کند:

۱- راستی حقانیت و صدق اعتقادات دینی با چه روشی قابل اثبات

است؟

۲- آیا تنها از روش استدلال عقلی محض باید بهره برد؟

۳- آیا راه و روش وحی و نقل نیز کار آمد است؟

۴- آیا باید ترکیبی از هر دو روش عقلی و نقلی به کار بست؟

۵- آیا راه دیگری نیز چون سلوک عرفانی متصور و ممکن است؟

به نظر می رسد روش غالب و معمول برای پژوهش و ارزیابی مسائل اساسی دین برای هر پژوهنده بی طرف، عقلانی است؛ لیکن غفلت از روشهای دیگر نارواست و سهم آنها را در گستره معارف و حقایق دینی نمی توان نادیده گرفت.

روشها:

۱- روش عقلی

۲- روش عرفانی

۳- روش نقلی

۴- روش ترکیبی

۱- روش عقلی

یکی از روشهای به کار گرفته شده در اثبات و تبیین باورها و گزاره های اساسی دین استفاده از استدلالهای عقلی محض است. در این روش بر مبنای این که مجموعه معارف بشری بر قضایای بدیهی استوار است، به اثبات باورهایی مانند: وجود خدا، ضرورت نبوت، لزوم حیات اخروی و ... پرداخته می شود.

الف) ویژگیهای روش عقلی:

در این روش مجهولات و مسائل نظری و غیر بدیهی تنها از راه مبادی و قضایای بدیهی، روشن می شود.

بر پایه این روش همه قضایا و استدلالهای پیچیده فلسفی شکل می گیرد. فراگیر و مطلوب بسیاری از متفکران جهان است.

ب) اعتبار روش عقلی:

قرآن مکررا انسانها را به تدبیر، تفکر و تعقل دعوت می کند.

فیلسوفان مسلمان برای عقل در بررسی اندیشه های دینی سهم بسزایی قائل شده اند.

به نظر می رسد اگر چه روش عقلی در محدوده عقاید دینی ارزشمند و لازم است لیکن استدلال عقلی بر پایه ای از مسایل اعتقادی که امور جزئی اند مانند نبوت خاصه، امامت خاصه، جزئیات معاد و ... ممکن نیست و فیلسوفان چاره ای جز وحی ندیده اند.

۲- روش عرفانی

از نظر عرفا کشف و شهود تنها منبع اصیل برای یافتن حقیقت است.

عرفا با تکیه بر تصفیه نفس و دریافتهای روحانی به دنبال قرب به حق و دیدن حقیقت است.

تفاوت روش عرفانی با روش عقلی:

روش عرفانی = ریاضت نفس + کشف و شهود = یافتن و دیدن حقیقت

روش عقلی = برهان و استدلال منطقی = فهم حقیقت

اصالت از نظر عارف و فیلسوف:

عارف، اصالت را به تزکیه + دریافت نفس + کشف و شهود حق می دهد.

فیلسوف، اصالت را به استدلال منطقی + فهم حق می دهد.

با این وصف عارفان هیچ گاه در صدد انکار مطلق ارزش عقل و استدلال عقلی بر نیامده اند.

بدین لحاظ مولانا استدلال را تنها برای آنان که در محضر خدای بزرگ هستند و در کام خود شهود وجود او را یافته اند بی فایده خوانده و در عین حال نه تنها استدلال را برای متوسط انسانها تجویز می کند بلکه آن را لازم می داند:

چشم اگر داری تو کورانه میا و ندری چشم دست آور عصا

آن عصای حزم و استدلال را چون نداری دید، می کن پیشوا

مراجعه شود: قصیده عشقیه، قطب الدین نی ریزی، تصحیح و ترجمه محمد رضا

ذاکر عباسعلی

۳- روش نقلی

در این روش آموزه های دینی را تنها به نقل و وحی اختصاص داده اند و گفته اند که معرفت دینی چه در فروع (احکام تکلیفی) و چه در اصول (مباحث مربوط به اعتقادات) جز با نقل حاصل نمی شود.

در روش نقلی با سه گروه مواجه هستیم:
 سه گروه: ۱- افراطیون ۲- اشاعره ۳- اخباریون
 گروه اول: اهل حدیث و ظاهر گارایان مخالف با برهانهای عقلی (افراطیون)
 گروه دوم: کسانی که شیوه های منطق ارسطویی را پذیرفته و نقل بر عقل را در صورت
 تعارض مقدم می دارند. (اشاعره)
 گروه سوم: کسانی که دخالت عقل را در فروع و اصول ممنوع می دانند اما استفاده از آن
 را در مسائل بدیهی غیر معارض با شرع را می پذیرند. (اخباریان)

افراط یا تغریط!!؟

۴- روش ترکیبی:

روش ترکیبی = روش عقلانی + روش وحیانی

تقسیم شیوه استدلال در مسائل اعتقادی:

- ۱- موضوعاتی که تنها با روش عقلی قابل اثبات هستند.
- ۲- موضوعاتی که تنها با روش نقلی قابل اثبات هستند.
- ۳- موضوعاتی که هم با روش عقلی و هم با روش نقلی قابل اثبات هستند.

پرسشهای مربوط به بخش یکم

- ۱- علت متفاوت بودن تعریف دین در دیدگاههای گوناگون چیست؟
- ۲- ویژگیهای تعریف عام دین را بیان نمایید.
- ۳- اقسام سه گانه تعریف دین را ذکر کرده وجه تمایز آنها را بیان نمایید.
- ۴- اهمیت روش شناسی در مبانی دین در چه چیزهایی است؟
- ۵- شما برای صدق اعتقادات دینی چه روشی را بر می گزینید؟
- ۶- سلوک عرفانی چه نقشی در معرفت قطعی عقاید و اصول قطعی دین داراست؟
- ۷- مسائل اعتقادی در يك فرآیند کلی از نظر روش استدلال به چند دسته تقسیم می شود آنها را بیان نمایید.

بخش دوم: وحی و پیامبری

۱- ضرورت نبوت

مقدمه:

مباحث نبوت:

الف) نبوت عامه: مجموعه مباحثی است که به پیامبر معینی اختصاص ندارد و درباره امور مشترک میان همه پیامبران بحث می کند.
 ب) نبوت خاصه: به مباحثی اطلاق می شود که درباره نبوت یکی از پیامبران مانند حضرت محمد (ص) بحث و گفتگو می کند.

عناصر محوری نبوت:

(الف) قانون (وحی)

(ب) آورنده وحی (پیامبر)

طرح چند پرسش:

- پیامبر کیست؟
- وحی چیست؟
- آیا وحی با کشف و شهود و تجربه دینی تفاوت دارد؟
- چه ضرورتی در برانگیخته شدن پیامبران در بین جوامع بشری وجود دارد؟
- آیا ابزارهای موجود در اختیار انسان برای هدایت او کافی است؟
- آیا آگاهی‌هایی از نوع وحی، برای بشر ضرورت دارد؟
- مخالفان و منکران ضرورت بعثت انبیا چه دلایلی دارند؟

معنا و مفهوم پیامبر

پیامبر بشری است که برای هدایت انسانها برانگیخته شده تا معارفی را بدون واسطه انسانی دیگر از مبدأ الهی دریافت کند.

ویژگیهای تعریف فوق:

- ۱- پیامبر بشر است.
- ۲- پیامبران برای هدایت انسانها آمده اند.
- ۳- پیامبران برانگیخته شده از سوی خداوند هستند.
- ۴- میراث پیامبران مجموعه معارف نظری و عملی الهی است.
- ۵- یکی از وظایف مهم انبیا دریافت پیام الهی است.

معنا و مفهوم وحی

مقدمه:

یکی از وظایف اساسی پیامبران، دریافت پیام الهی است که از آن به وحی تعبیر می‌گردد. چيستی و ماهیت و حقیقت وحی، دست یافتنی نیست.

معنای لغوی وحی

وحی در لغت به معنی: اشاره، سرعت، تفهیم، القای پنهانی مطلبی به دیگران، اعلام در خفا، نوشتن و ... آمده است. به اعتقاد لغت شناسان، جامع تمام معانی و کاربردهای واژه وحی: "تفهیم و القای سریع و پنهانی" است.

وحی در قرآن:

در قرآن واژه وحی برای معنای چندی به کار رفته است:

- ۱- اشاره پنهانی
- ۲- هدایت غریزی
- ۳- الهام
- ۴- وحی رسالی یا تشریعی

- ۱- **اشاره پنهانی:** در سوره مریم/ آیه ۱۰ و ۱۱ حضرت زکریا (ع) به قوم خویش اشاره کرد که روز و شب به نیایش پردازند. در این آیه، آوحی به معنی اشاره پنهانی است.
- ۲- **هدایت غریزی:** در سوره نحل آیه ۶۸ و ۶۹ بیان شده است که: خداوند به زنبور عسل وحی می کند.
- ۳- **الهام:** پیامی است که انسان منشأ آن را نمی داند به ویژه در حالت اضطرار، ظهور مشکلات و گرفتاریها که قادر به تصمیم گیری نیست.

نمونه ای از وحی به معنی الهام، وحی به مادر موسی (ع) است:

" به مادر موسی وحی کردیم که او را شیرده و چون بر او بیمناک شدی، او را در نیل بینداز و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می گردانیم و از زمره پیامبران قرار می دهیم." قصص- آیه ۷

- ۴- **وحی رسالی یا تشریعی:** وحی به این معنا، شاخصه نبوت است. در بیشتر موارد کاربرد کلمه وحی و مشتقات آن در قرآن ناظر به همین معناست.

امام حسن عسکری (ع): خداوند قلب و روان پیامبر را بهترین و پذیراترین قلبها یافت آن گاه او را برای نبوت برگزید.

پیامبر (ص): خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر آنکه عقل او را به کمال رسانده باشد و عقل او از عقل تمام عقول امتش برتر باشد.

صدرالدین شیرازی: پیش از آنکه ظاهر پیامبر به نبوت آراسته شود، باطن او حقیقت نبوت را دریافت کرده است.

راههای ارتباط پیامبران با خدا

" ماکان بشر ان یکلمه الله آلا و حیا اومن وراء حجاب او یرسل رسولاً فیوحی باذنه ما یشاء انه علی حکیم" (شورای - ۵۱)

- ۱- وحی مستقیم: آلا وحیا
- ۲- ایجاب صوت از پشت حجاب: اومن وراء حجاب
- ۳- القای وحی به وسیله فرشته: اویرسل رسولاً

بیش از هفتاد مرتبه واژه وحی درباره وحی تشریعی و رسالی در قرآن به کار رفته است.

وحی، آموزه ویژه ای است که از ناحیه خداوند سبحان به برخی انسانهای برگزیده افاضه می شود. وحی گشوده شدن روزنه ای به عالم غیب و افقهای نوینی از آسمان معنا به روی انبیاست.

ضرورت وحی و پیامبری

ضرورت بعثت انبیا به لحاظ نظری، از مهمترین مباحث اعتقادی و کلامی است. زیرا نبوت از ارکان مهم اندیشه دینی به شمار می آید.

برهان ضرورت وحی و پیامبری برد و پیش فرض و اصل، استوار است:

۱- **صفات خداوند:** خداوند حکیم است و حکمت از صفات ذاتی او است.

حکمت خدا اقتضای فرستادن انبیا برای هدایت انسانها را دارد.

۲- **جاودانگی انسان:** در اندیشه اسلامی، اصالت با کمال و

سعادت ابدی و حیات اخروی است. در آثار اخروی اعمال، راهی جز وحی

نیست. بنابراین، اصالت سعادت و کمال ابدی برای انسان، نیاز بشر به

وحی را آشکارتر و ملموس تر می کند.

مقدمات برهان:

برهان بر ضرورت نبوت تکیه بر چهار مقدمه دارد:

۱- هدف از آفرینش انسان، کمال راستین اوست.

۲- کمال واقعی انسان در گرو اختیار و انتخاب شایسته و صحیح است.

۳- اختیار و انتخاب صحیح بدون معرفت و شناخت کافی، ممکن نیست.

۴- آگاهیهای برخاسته از عقل و حس، در پاسخ به نیازهای انسانی و

رسیدن او به سعادت واقعی کافی نیست.

الکسیس کارل در کتاب: انسان موجود ناشناخته درباره شناخت انسان می گوید:

۱- تا کنون در شناخت انسان، علم پیشرفتی نداشته است.

۲- تاکنون روشی که بتواند انسان را در اجزا و در مجموعه و در

روابطش با محیط خارج بشناسد، در دست نیست.

۳- انسان معرفی شده توسط متخصصان رشته های گوناگون،

انسان واقعی نیست.

۴- پیچیدگی حقیقت انسان، علت عدم پیشرفت علم درباره

شناخت اوست.

نتیجه گیری:

هدف از آفرینش، هدایت انسانها به سوی کمال است، این هدف با اختیار و از

آزادی انسان و نیز علم و آگاهی اوست و علم و آگاهی تنها از طریق عقل و حس

کافی نیست بنابراین می بایست خداوند برای راهنمایی انسانها، انبیا و رسولانی را

بفرستد.

شبّهات منکران بعثت پیامبران

در طول تاریخ و حتی در دنیای معاصر، کسانی بوده و هستند که بعثت پیامبران را انکار کرده اند یکی از این شبّهات که در تاریخ براهمه هند به صورت جدی مطرح شده عبارت است از:

طرفداران این شبّه می گویند: وقتی که آموزه های وحیانی را که پیامبران به بشر عرضه کرده اند مطالعه می کنیم، از دو حال بیرون نیست؛ یا با مدرکات و احکام عقلی موافق است و یا مخالف؛ در هر صورت، وحی، بیهوده بوده و قابل پذیرش نیست.

پاسخ: گزاره ها و تعالیم وحیانی بر حسب فرض به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- موافق عقل بشری:

تأیید دانسته های عقلی از سوی وحی، سبب می شود که آدمی به درستی شناخت و داوری عقل خود اطمینان بیشتر یابد.

۲- گزاره های خردستیز:

این گونه گزاره ها یا اینکه در زمره تعالیم آسمانی نخواهد بود و یا آنکه معانی ظاهری آن، ملاک نخواهد بود و باید معنای واقعی آن را کشف کرد.

۳- گزاره ها و آموزه های فراحسی و فراعقلی:

عقل در این موارد سکوت می کند چون وحی در این موارد خارج از حوزه ادراکات عقلی است مثل مسائلی که مربوط به عالم ملکوت و جزئیات قیامت است.

اقسام تعالیم و فرمانهای فراعقلی

الف: عقل احساس می کند فلسفه فرامین الهی را درک می کند.
ب: عقل قادر به تحلیل و درک آن نیست.

۴- رابطه علم و دین

نتایج مباحث گذشته:

- ۱- دستاوردهای عقل بشری (اعم از علوم تجربی و غیر تجربی) پاسخگوی همه نیازهای بشری نیست.
 - ۲- وحی جایگزین عقل و علم نبوده، بلکه مکمل و مؤید آنهاست.
- با این نگرش به عقل، علم و دین می توان رشد علوم را در بستر تمدن دینی به خوبی مشاهده کرد.
- از نظر قرآن کریم، پیوند محکمی میان علم و دین برقرار است.
- پیشرفت خیره کننده دانش تجربی پس از رنسانس، حاصلی جز تصور عام و رایج مبنی بر ناسازگاری علم و دین نداشت.

علت ناسازگاری کلیسا با دانش تجربی، مخالفت برخی فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی با تعالیم کلیسا و ظاهر کتاب مقدس بود. ادعای علم‌گرایان متعصب: "به جز روش علمی، راهی به کشف و شناخت حقایق نیست. حال باید دید مسئله ضرورت نبوت و دین را چگونه می‌توان با این ادعای غرورآمیز موجه ساخت؟"

زمینه‌های تاریخی تعارض علم و دین

دو تحول مهم؛ نقش چشمگیری در تثبیت نظریه تعارض علم و دین داشت: تحول نخست، دفاع شجاعانه گالیله از نظریه خورشید مرکزی کوپرنیک، رویداد دوم، بحث دراز و دامنه دار داروین درباره خلقت و تکامل بود.

ابعاد تعارض اکتشافات جدید علمی با تعالیم کلیسا:

۱- در زمینه اختلافات کلیسا با علوم تجربی

۲- در زمینه اختلافات در ابعاد:

الف) جهان بینی دینی

ب) ارزش و کرامت قدسی

ج) اخلاق قدسی

نتیجه تعارض اصحاب کلیسا و دانشمندان در قرن هفدهم و هجدهم میلادی: تمایز و جدایی دین از علم بود.

- قرآن، اعجاز و مصونیت آن از تحریف

مطالعه قرآن، هر انسانی را بر می‌انگیزد که در صدد شناخت، تأمل و تدبر در آیات آن، برآید اما این انگیزه معلول چیست؟

پاسخ:

۱- معلول ایمان به مبانی و اصول دین

۲- غریزه کنجکاوی

۳- حس سودجویی

۴- گریز از زیان

در شناخت قرآن مانند آثار علمی و دینی دیگر، می‌توان از مؤلفه‌ها و راههای گوناگون ذیل یاری گرفت:

۱- مطالعه محتوای قرآن

۲- مطالعه تاریخی قرآن

۳- مطالعه قرآن به لحاظ نقش آفرینی آن در زندگی فردی و اجتماعی و

علمی بشر

۴- مطالعه قرآن از دیدگاه قرآن‌شناسان

۵- مطالعه قرآن از نگاه خود قرآن

۶- مطالعه قرآن به اعتبار فصاحت و بلاغت آن
 ۷- مطالعه قرآن به اعتبار سازگاری و ناسازگاری آیات با یکدیگر
 در یک برداشت از آیات ناظر به موضوع وحی و پیامبری دست کم دو ادعای
 اساسی مطرح است.

۱- قرآن از سوی خداست.

۲- محمد (ص) پیامبر خداست.

اثبات دو موضوع:

۱- قرآن موجود از سوی خدا نازل شده است.

۲- هیچ تغییر و دگرگونی موثری در قرآن رخ نداده است.

۱- دلیل از سوی خدا بودن قرآن.

تقسیم آیات:

۱- آیاتی که بیانگر دلیل عقلی است. (آیات تحدی یا آیات دعوت

کننده به همانندآوری)

۲- آیاتی که بیانگر دلیل نقلی است.

موضوع بحث: آیات تحدی است.

تقسیم آیات تحدی:

الف) فصاحت و بلاغت و نظم قرآن

ب) امی بودن پیامبر

ج) هماهنگی آیات قرآن و نبود اختلاف

الف: فصاحت و بلاغت و نظم قرآن

این دسته از آیات تصریح می کنند که قرآن، کلام خداست و مخالفان را به مقام
 همآورد طلبی فراخوانده است.

انواع تحدی و همانند خوانی:

الف) گفتاری از قرآن: طور/ ۳۲ و ۳۳

ب) کل قرآن: اسراء/ ۸۷

ج) ده یا یک سوره: هود/ ۱۳ و ۱۴

ب: امی بودن پیامبر (ص)

دسته دوم از آیات تحدی، با تکیه بر ویژگیهای پیامبر، به همآوردی ناباوران شکاک
 می رود و از آنان می خواهد از بشری مانند او که درس ناخوانده و خط نانوشته
 است، قرآنی این چنین بیاروند:

معنی و مفهوم امّی بودن:

قبل از بعثت پیامبر (ص) از راههای معمولی خواندن و نوشتن را فرا نگرفته اند اما هیچ دلیلی در دسترس نیست که پس از بعثت از راه اعجاز پیامبر خواندن و نوشتن را نمی دانسته اند.

آیات ۴۸ عنکبوت، ۱۶ یونس و ۲۳ بقره، دلالت بر امّی بودن پیامبر دارد.

ج: همانندی آیات

در آیه ۹ سوره نساء چنین استدلال شده است که اگر در قرآن موجود اختلافی نیست، پس حتما این کتاب از سوی خداست و اگر کتابی با ویژگیهای قرآنی به دست بشر فراهم می آمد، موارد اختلافی فراوانی در آن مشاهده می شد. شرایط عوامل زمینه ساز اختلاف، در دو طرف ملازمه یعنی ویژگیهای انسان و ویژگیهای قرآن بررسی می شود.

ویژگیهای انسان:

- ۱- تکامل تدریجی
- ۲- خطاپذیری
- ۳- تفاوت استعدادها و محدودیت

- ۱- تکامل تدریجی موجب تفاوت در دستاوردهای بشری است
- ۲- خطاپذیری و تأثیر پذیری
- ۳- محدودیت و تفاوت انسانها در استعداد و توانایی

ویژگیهای قرآن:

- ۱- هماهنگی آیات قرآن با شرایط و اوضاع و احوال بشری
- ۲- جامعیت قرآن
- ۳- هماهنگی قرآن از نظر صنایع ادبی و محتوایی و ...

با توجه به موارد فوق دانسته می شود:
این اثر جامع و هماهنگ (قرآن) جز از مبدأ قدرت بی کران فوق بشری صادر نشده است.

دو نتیجه مهم از عدم اختلاف در قرآن:

- الف: نفی هرگونه مطلب نادرست و باطل از قرآن
ب: عدم اختلاف در قرآن

۲- مصونیت قرآن از تحریف

(مصونیت قرآن از هرگونه تغییر و دگرگونی موثر در معنای آیات و کلمات، دارای اهمیت ویژه ای است.)
اعتبار قرآن موجود وابسته به مصونیت آن از تحریف است.

نتایج تحریف قرآن:

- ۱- هرگونه استدلال به همه یا بخشی از آیات قرآن مورد تردید قرار می گیرد.
- ۲- انکار اعجاز قرآن
- ۳- عدم امکان اثبات نبوت پیامبر گرامی اسلام از راه اعجاز قرآن
- ۴- عدم اعتبار روایات
- ۵- عدم اثبات ولایت ائمه اهل بیت (ع)

معنا و مفهوم تحریف

ریشه تحریف: از کلمه "حرف" به معنای لبه، کناره و مرزیک چیز گرفته شده است.
تحریف در لغت: به معنای مایل کردن، منحرف و دگرگون نمودن.
 کاربرد این واژه در قرآن: تحریف به معنای فهم و تفسیر انحرافی از سخن گوینده است.
 موضوع اصلی بحث در مصونیت قرآن، مصونیت از تغییر لفظی است.

پاسخ و جواب:

س: منظور از مصونیت و محفوظ بودن قرآن از تغییر لفظی چیست؟
 ج: منظور از مصونیت از تحریف، افزایش و کاستی در برخی آیات، کلمات و حروف قرآن است.

شواهد تاریخی مصونیت قرآن

الف: حافظه عرب معاصر قرآن و علاقه مفرط به حفظ و قرائت قرآن
 ب: انس مسلمانان با قرآن
 ج: تقدس قرآن نزد مسلمانان
 د: دستورات پیامبر (ص) درباره تلاوت، کتابت، حفظ و ...
 ه: مطرح نشدن مسئله تحریف قرآن از سوی صحابه و ائمه اهل بیت.

دلایل روایی مصونیت قرآن

الف: حدیث ثقلین
 ب: روایات پرشماری که قرآن را مرجع و محک بازشناسی آرا و تمایلات و جریانهای حق و باطل می داند
 ج: روایاتی که ضرورت محک زدن روایات با قرآن و کنار گذاردن روایات مخالف قرآن را مورد تأکید قرار می دهند.

دلایل قرآن عدم تحریف:

الف: آیات تحدی

یکی از دلایلی که قرآن پژوهان بر مصونیت قرآن از تحریف به آن استناد می کنند آیات تحدی است.

"فلیأتوا بحديث مثله" اگر می توانید حدیثی مانند قرآن بیاورند.

ب: اوصاف قرآن

دسته دیگری از آیات قرآن که عهده دار دلیل عقلی تحریف قرآن کریم هستند، آیاتی هستند که بیانگر اوصافی برای قرآن مجید می باشند.

اوصاف عام قرآن:

۱- فصاحت و بلاغت

۲- حق بودن

۳- ذکر بودن

۴- عدم اختلاف در آیات

همه بخش های قرآن از این اوصاف برخوردار است.

ج: ضمانت الاهی

از جمله مهم ترین آیاتی که به عنوان دلیل نقلی بر عدم تحریف به آن استناد شده است، آیه:

"انّا نحن نزلنا الذکر و انّاله لحافظون" حجر آیه ۹

حفظ پس از نزول موجب می شود هدف خداوند از وحی و فرستادن پیامبر منتفی نشود.

۴- خاتمیت

مقدمه:

هدف انبیا: رساندن پیام الهی به گوش انسانها و آشنا کردن ایشان با وحی.

ویژگیهای انبیا:

- ۱- مطیع
- ۲- صالح
- ۳- دارای علم لدنی
- ۴- صدیق
- ۵- مسلم
- ۶- فداکار
- ۷- مخلص
- ۸- صبور

وظیفه انبیا:

- ۱- هدایت انسانها
 - ۲- مبارزه با کجیها
 - ۳- جلوگیری از انحرافات:
- الف) اخلاقی ب) اجتماعی
- ۴- مبارزه با طاغوتها
 - ۵- پایان دادن به اختلافات
 - ۶- ایجاد در رأفت و عطوفت
 - ۷- دعوت به توحید و معاد، ارزشهای انسانی، عبادت خدا و ...
- "پیامبران موید انبیای قبل از خود بوده اند و هیچکدام، دیگری را نفی نکرده است."

تقسیم انبیا با توجه به وظایف:

- ۱- برخی برای قوم و قبیله ای خاص بوده اند و صاحب کتاب آسمانی نبودند، مانند: انبیای پیش از حضرت نوح (ع)
- ۲- برخی مأمور تبلیغ شریعت و قوانین انبیای بزرگی مثل: ابراهیم، نوح و موسی و عیسی (ع) بودند، مانند: هود، صالح و ...
- ۳- برخی خود دارای کتاب آسمانی بودند و به طور مستقل یک سلسله قوانین و دستورات به ایشان وحی می شد.

دو ویژگی بسیار مهم پیامبری محمد بن عبدالله (ص):

۱- جهان شمول بودن

۲- خاتمیت

- کتابهای آسمانی سایر انبیا برای ملت و امت مشخص بود و محدوده تبلیغ معینی داشتند و کتاب آسمانی هیچ کدام جهانی نبود و قرآن با صراحت، بیان می کند که انبیای پیشین هر کدام برای قوم خاص یا زمان و مکان خاصی برانگیخته شده بودند.

موضوع خاتمیت پیامبر اسلام (ص)

موضوع ختم نبوت و خاتمیت پیامبر اسلام (ص) یکی از اصول ضروری دین اسلام به شمار می آید.

چند پرسش درباره ختم نبوت تبلیغی و تشریحی:

- چرا رسالت و نبوت پایان یافت؟
- چرا شرایع قوانین الهی پس از ظهور پیامبر (ص) بیان پذیرفت و پس از قانون اسلام، قوانین جدیدی نخواهد آمد؟
- چگونه ممکن است دین اسلام با قوانین ثابت، نیازهای متغیر انسانها را در زمانها و مکانهای مختلف پاسخگو باشند؟
- آیا با قوانین محدود، نیازهای نامحدود انسانها را می توان پاسخ داد؟
- بر چه اساسی می توان ادعا کرد که اسلام می تواند برای همه زمانها برنامه زندگی همه جانبه و فراگیر ارائه دهد؟
- و ...

خاتمیت در قرآن

از محکمترین ادله نقلی خاتمیت پیامبر بزرگ اسلام، آیه ذیل است.
 "ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شیء علیما." (احزاب/۴۰)

"خاتم النبیین یعنی پیامبر بزرگ اسلام"

فصلت/ ۴۱ - انعام/ ۱۹ - فرقان/ ۱ - نساء/ ۲۸ - مائده/ ۴۸ - انعام/ ۱۱۴ و ۱۱۵ - بقره/ ۱۴۳

و ...

خاتمیت در احادیث

حدیث منزلت: پیامبر (ص) به علی (ع) فرمودند:

"اما ترضی ان تکون بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی"

امام علی (ع) فرمودند: "با بی انت و امی لقد انقطع بموتک مالک بنقطع بموت

غیرک من النبوة و الانباء و اخبار السماء... نهج البلاغه، خطبه ۲۳۵

در کتاب مفاهیم القرآن، اثر جعفر سبحانی، جلد ۳ و ص ۱۳۵ روایت درباره ختم

نبوت آمده است.

مبانی ختم نبوت

- ۱- جهانی بودن و جاودانگی
- ۲- جامعیت در اسلام
- ۳- مراتب دین از نظر قرآن

۱- جهانی بودن و جاودانگی

- درباره دیگر پیامبران دلیل قطعی بر عمومیت و جهانی بودن رسالت آنها در دست نیست و برخی آیات دلالت بر آن دارد که آنها فراگیر نبوده اند.
- درباره پیامبر و دین اسلام دلایل فراوانی بر عمومیت رسالت و جاودانگی دین دارد.

برخی از آیات:

- الف: "قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً." اعراف / ۱۵۸
 ب: "و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً." سبأ / ۲۸
 ج: "و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین." انبیاء / ۱۰۷

شواهد تاریخی جهانی بودن و جاودانگی دین اسلام

نامه های پیامبر اسلام به سران کشورها، از جمله: ایران، حبشه، یمن، روم همه ادله اثبات ختمیت پیامبر، جاودانگی دین اسلام را نیز اثبات می کند.

۲- جامعیت دین اسلام

آنچه از لحاظ علمی و فلسفی می تواند توجیه کننده عدم لزوم نبوت جدید باشد، گسترگدی، جامعیت و فراگیری تعالیم و قوانین آخرین مکتب آسمانی است.

دلیل منسوخ شدن یک دین چیست؟

پاسخ: یک جانبه بودن و جامع نبودن یک مکتب

رمز ختم نبوت: جامع و کامل بودن آیین اسلام

نشانه جامعیت: توجه اسلام به همه جوانب:

(الف) مادی

(ب) معنوی

(ج) فردی

(د) اجتماعی

۲- مراتب دین از نظر قرآن

- حقیقت و ماهیت دین واحد است.
- همه انبیاء مردم را به یک دین فرا خوانده اند. این دین در قرآن، اسلام نامیده شده است.
- **معنی اسلام:** تسلیم شدن در برابر حق در مقام عمل و اعتقاد است.
- اصول اساسی تعالیم انبیاء یکی بوده است.

اختلاف شرایع در چیست؟

اختلاف در نقص و کمال است و اختلاف به گونه تضاد و تنافی نیست. اصول فکری و عملی پیامبران یکی بوده و همه آنان مردم را به یک شاهراه فرا می خوانده اند و اختلاف شرایع در گوهر و ماهیت دین تأثیری نداشته است.

دو گونه اختلاف در شرایع انبیاء:

- ۱- اختلاف در شکل اجرایی
- ۲- اختلاف در سطوح و مراتب

مبنای اختلاف شرایع

- ۱- اختلاف در شکل اجرایی یک اصل کلی
 - ۲- اختلاف در سطوح و مراتب:
 - الف) در ناحیه قوانین دینی و شرایع
 - ب) در ناحیه معارف الهی
- نزول معارف دینی بر طبق مسیر تکاملی انسان بوده است.
- از دیدگاه اسلام احتیاج بشر به پیامبر جدید تنها از نظر قانونگذاری نبود. بلکه یکی از وظایف اصلی پیامبران، ارائه ی معارف الهی بوده است. یعنی حقایقی که معرفت عوالم غیب است.
- بیان معارف الهی توسط انبیاء متناسب با حدود و مقام انبیا می باشد.
- هر پیامبری از معارف الهی آن مقدار که توانسته است کشف کند، بیان می نماید.
- به کاملترین نوع مکاشفه که فوق آن چیز دیگری نیست و بیشتر از آن برای نوع بشر مقدور نیست در اصطلاح "ختم" گویند خاتمیت در معارف به معنی پایان فضل کامل و فضل کامل که صورت گرفت، فضل دیگری مغایر با آن وجود نخواهد داشت.

پیامبر خاتم کیست؟

"پیامبری است که جمیع مراتب را طی کرده است و از نظر او مرحله طی نشده وجود ندارد."

دو نکته از تعریف فوق استفاده می شود:

- ۱- پس از پیامبر خاتم، پیامبر دیگری نخواهد آمد.
 - ۲- علت ختم نبوت تشریحی
- "نبوت یک سیر تدریجی به سوی تکامل داشته است."
- "مکاشفه تام محمدی کاملترین مکاشفه ای است که در امکان یک انسان است. چون همه راهها را حضرت (ص) پیمودند !!!"

فلسفه و حکمت ختم نبوت تبلیغی

پیامبران دو وظیفه داشتند:

- ۱- آوردن قانون و دستور العمل برای بشر.
- ۲- پاسداری و نگهداری از شرایع و قوانین انبیای گذشته.

ختم نبوت:

- ۱- نبوت تشریحی
- ۲- نبوت تبلیغی

چند پرسش:

- ۱- آیا شریعت بی نیاز از نگهبان و تبلیغ و ترویج است؟
- ۲- چرا امت اسلام از نعمت انبیای تبلیغی پس از پیامبر بزرگ اسلام محروم شد؟
- ۳- پایان یافتن نبوت تبلیغی با وجود اهمیت آن، با چه فلسفه ای قابل توجیه و تفسیر است؟

یک پرسش:

- ظهور پیامبری پیامبران معلول چیست؟
- پاسخ: ظهور انبیا معلول دو چیز است
- ۱- تغییر و تکامل شرایط زندگی و نیاز بشر به پیام نوین .
 - ۲- نابودیها و تحریف در احکام الهی و کتابهای آسمانی .

انواع تحریف: ۱- تحریف سهوی

۲- تحریف عمدی

بیان قرآن درباره تحریف عمدی:

"فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیم ثم یقولون هذا من عند الله." (بقره ۷۹؟)

چند پرسش و پاسخ:

آیا تحریف دین از مختصات انسانهای پیش از اسلام است؟
تحریف لازمه طبیعت بشر است. لذا تحریف در دین پیامبر خاتم (ص) نیز امکان دارد.

پس چرا پس از پیامبر نیاز به پیامبر دیگر نیست؟

چون پس از پیامبر(ص) مردم به بولوغ فکری و معرفتی خاص رسیده بودند که نیاز به پیامبر جدید نبود.

و از طرفی وجود نایبان و جانشینان خاص پیامبر (ائمہ اطهار (ع))، خلأ نبود پیامبر را جبران می کرد.

فلسفه و حکمت ختم نبوت تشریحی:

درعنوان فوق می توان همه شبها و پرسشها را در دو محور سامان دهی کرد:
۱-اسلام و مقتضیات زمان.

۲-ویژگیهای سیستم قانونگذاری در اسلام و عناصر پویایی آن.

۱-۱ اسلام و مقتضیات زمان

برخی از پرسشها مربوط به ثابت بودن قوانین اسلام و مقتضیات زمان و نیازهای متغیر انسانهاست.

براساس جاودانگی دین اسلام، قوانین دین، ثابت و تغییرناپذیرند. چگونه ممکن است دین اسلام با قوانین ثابت، نیازهای متغیر انسانها را در همه اعصار و در همه عرصه ها، به ویژه عرصه های اجتماعی پاسخگو باشد؟ آیا می توان بین امر ثابت و لایتغیر با امر متحول و متغیر هماهنگی ایجاد کرد؟ بر چه اساسی می توان ادعا کرد که اسلام آموزه های متناسب و هماهنگ با مقتضیات زمان داشته باشد؟

انسانها====ابتکار و خلاقیت

حیوانها====عدم ابتکار و عدم خلاقیت

آیا نظر اسلام این است که باید با مقتضیات زمان نبرد کرد؟

هماهنگی یا عدم هماهنگی با مقتضیات زمان

بحث تغییر نیاز مندیها و مقتضیات زمان همین اندازه سودمند است که بدانیم نمی توان این امور را بهانه قرار داد و بدون دلیل، قانونی را محکوم کرد و منکر جاودانگی آن شد.

مشکل عصر ما: این است که بشر امروز کمتر توفیق می یابد بین این دو، یعنی جاودانگی قوانین الهی، قوانین مبتنی بر فطرت و عدالت، با مقتضیات زمان و دگرگونی و تغییرات روابط بشری تفکیک کند.

دو کج روی درباره تغییر نیازمندیها و مقتضیات زمان:

الف:جمود ورزیدن ودین و تجدد را دو پدیده متضاد قلمداد کردن.

ب: جهالت ورزیدن و موجه شمردن هر پدیده نو ظهور با نام مقتضیات زمان.

تفاسیر مقتضیات زمان:

۱-تقاضای زمان، یعنی هر چه که در زمان به وجود میآید و تطبیق خویشتن با آنها . این تفسیر صحیح نیست چون پدیده های زمان دو حالت می توانند داشته باشد:

الف:حالت پیشرفتگی و ترقی

ب:حالت انحطاف و انحراف

وظیفه انسان چیست؟
وظیفه انسان، تنها انطباق و هماهنگی و پیروی از زمان نیست، بلکه گاهی وظیفه او اصلاح و کنترل زمان است.

۲- تقاضای زمان: یعنی تقاضای مردم زمان و پسند مردم در این تفسیر پسند و ذوق و سلیقه مردم ملاک است.

آیا با پسند بیشتر مردم و با ذوق عمومی باید هماهنگ شویم و نظر آنان را باید بپذیریم؟
علی (ع) می گوید: لا تستو حشوا فی طریق الهدی لقلّة اهله. (نهج البلاغه بخطبه ۱۹۹)
در طریق هدایت از اینکه در اقلیت هستید، وحشت نکنید.
بنابراین هماهنگی با مقتضیات زمان به این معنا پذیرفته و معقول نیست.

۳- تقاضای زمان: به معنای این است که احتیاجات واقعی بشر در طول زمان تغییر می کند و بشر در هر زمان نیاز خاصی دارد. طبق این تفسیر، محور مقتضیات زمان، نیازهای بشر است. مقتضیات زمان به این معنی پذیرفتنی است.

"اشکال اساسی در مبحث اسلام و مقتضیان زمان"

اشکال اساسی، هماهنگی قوانین ثابت و تغییرناپذیر اسلام با نیازهای متغیر و شرایط مختلف زندگی است.
چگونه می تواند دینی که ثابت است، راهنمای زندگی بشر باشد که همواره در حال تغییر است؟

پاسخ:

اولا: همه نیازهای بشر متغیر نیست. بلکه نیازهای انسان به دو دسته تقسیم می شوند:

- ۱- نیازهای اولی ثابت
- ۲- نیازهای ثانوی و متغیر

۱- نیازهای ثابت: نیازهایی است که از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سر چشمه می گیرد.

اقسام نیازهای ثابت و اولی:

- الف: نیازهای جسمانی
- ب: نیازهای روحی
- ج: نیازهای اجتماعی

الف) نیازهای جسمانی مانند:

- ۱- نیاز به غذا
- ۲- نیاز به پوشاک
- ۳- نیاز به مسکن

ب) نیازهای روحی مانند:

- ۱- پرستش
- ۲- علم
- ۳- زیبایی
- ۴- احترام
- ۵- تربیت

ج) نیازهای اجتماعی مانند:

- ۱- معاشرت
- ۲- مبادله
- ۳- عدالت
- ۴- آزادی
- ۵- مساوات

۲- نیازهای متغیر: نیازهایی است که هر چند از نیازهای ثابت و اولیه انسان نشأت می‌گیرد اما در زمان‌های مختلف شیوه ارضای آنها تغییر می‌یابد. نیازهای متغیر مربوط به گسترش زندگی و ضرورت‌های اجتماعی است. نیازهای اولی، محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است. نیازهای ثانوی، ناشی از توسعه و کمال زندگی است. و تغییر نیازمندیها و نو شدن و کهنه شدن آنها، مربوط به نیازمندیهای ثانوی است.

نتیجه: همه نیازهای بشر در حال تغییر نیستند بلکه بیشتر آنها ثابت بوده و به منزله روح قوانین متغیر است.

ثانیا: درست است که توسعه عوامل تمدن نیازهای جدیدی را به وجود می‌آورد و احیانا یک سلسله قراردادهای و قوانین فرعی را ایجاد می‌کند مثل یک سلسله قوانین راهنمایی و قوانین مقررات بین‌المللی در روابط خارجی و امثال آن. اما توسعه عوامل تمدن ایجاد نمی‌کند که قوانین حقوقی و جزائی و مدنی مربوط به دادوستدها، وکالتها و غصبها و ضمانتها و ارث و ازدواج و ... تغییر بکند. قوانین ثابت دینی، خط سیر کلی زندگی را در نظر گرفته و تضادی نسبت به شکل و طاهر زندگی ندارد.

۲- ویژگی های سیستم قانونگذاری در اسلام و عناصر پویایی آن

بحث درباره مقتضیات زمان و نیازمندیها، به تنهایی مشکل جاودانگی دین را حل نمی کند. یک قانون جاودانه اگر بخواهد برای تمام صور متغیر زندگی برنامه داشته باشد و راه حل مشکلات را ارائه دهد و هر مشکلی را به صورت خاص حل نماید باید از نوعی تحرک و انعطاف بهره مند شود.

ویژگی های قانونگذاری در اسلام:

الف: ورود عقل در حریم قانونگذاری

عقل در منابع دینی بویژه قرآن کریم، بسیار مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. واژه عقل و معادل آن صدها بار در قرآن به کار رفته است. امام کاظم (ع) فرمودند: خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان، حجت آشکار، رسولان و پیامبران و امامان اند و حجت پنهانی بشری است. در اسلام، عقل به عنوان یک اصل و مبدا برای قانون است. و عقل در ردیف کتاب آسمانی قرار گرفته است. رابطه بین عقل و شرع رابطه ناگسستنی است و فقها از آن به **قاعده ملازمه** تعبیر می کنند.

معنای ملازمه بین حکم عقل و شرع:

معنای ملازمه بین حکم عقل و شرع آن است که اگر مصلحت ملزمه ای را کشف کند ما را به این نتیجه می رساند که شرع هم حکمش همان است. هر چند آن حکم شرعی به دست ما نرسیده باشد.

مبتنی بودن احکام اسلامی بر مصالح و مفاسد

علت اینکه عقل در اسلام جایگاه ویژه دارد، این است که قوانین دینی با واقعیت زندگی انسان سر و کار دارد و احکام اسلامی مبتنی بر یک سلسله مصالح و مفاسد است و کشف این مصالح و مفاسد در دسترس عقل بشری است.

ب) اجتهاد قوه محرکه اسلام:

اجتهاد مقوله ای است که می تواند اسلام را با مقتضیات زمان سازگاری دهد چون در اسلام یک سلسله قوانین ثابت وجود دارد و یک سلسله قوانین متغیر. با اجتهاد می توان میان متغیرات زمان اسلامی هماهنگی ایجاد کرد. اجتهاد یکی از رموز پویایی اسلام و عامل انطباق آن با شرایط زمان است. اجتهاد قوه محرکه اسلام است.

ابن سینا فیلسوف بزرگ اسلامی می گوید:

کلیات اسلامی ثابت و لایتغیر و محدود است و اما حوادث و مسائل، نامحدود و متغیرند و هر زمانی مقتضیات مخصوص خود را دارد. به همین جهت ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی،

گروهی متخصص و عالم بر کلیات اسلامی و عارف به مسائل و پیش آمدهای زمان، عهده دار اجتهاد و استنباط حکم مسائل جدید از کلیات اسلامی بوده باشد.

ج) مبتنی بودن احکام اسلامی بر مصالح و مفسد واقعی

انواع مصالح و مفسد: فردی- اجتماعی- دنیوی- اخروی
اگر در موضوعی مصلحتی نهفته باشد که مکلف باید آن را انجام دهد، شارع (قانونگذار اسلامی) وجوب آن را جعل می کند و اگر مفسده ای در آن باشد که باید مکلف از آن دوری جوید، حکم حرمت برای آن جعل می کند.

درجات مصالح و مفسد

چون مصالح و مفسد در یک درجه نیستند بلکه درجات و مراتبی دارند فقها بابتی را به عنوان تراحم بین احکام در فقه گشوده اند.

تراحم اهم بر مهم

در باب تراحم اهم بر مهم و همچنین حکمی که مصلحت بیشتری دارد بر دیگری مقدم می شود. تشخیص اهم و مهم بر عهده شرع یا عقل می باشد.
احکام ثانوی معمولاً به منظور مقدم کردن اهم بر مهم است.

د) توجه به احکام اولی و ثانوی

احکام به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- احکام اولی ۲- احکام ثانوی

تعریف احکام اولی:

احکام اولی، احکامی هستند که مستند به نیازهای ثابت انسانها است.
احکام اولی جز در موارد خاص، تغییر پذیر نمی باشند.
احکام اولی بیان کننده ارتباطات چهارگانه و ثابت انسانی هستند:

۱- ارتباط با خویشتن

۲- ارتباط با خدا

۳- ارتباط با جهان هستی

۴- ارتباط با هم نوع خود

تعریف احکام ثانوی:

در حالات و شرایطی که مکلف نتواند به احکام واقعی عمل کند، شارع، احکام دیگری را مقرر کرده که به آن احکام ثانوی گفته می شود.

ملاک جعل حکم ثانوی چیست؟

در واقع عدم دسترسی به حکم اولی، ملاک جعل حکم ثانوی می شود. احکام ثانوی با توجه به اوضاع و احوال خاص و استثنائی تحقق می یابد مانند: حرج - اضطرار - اکراه - تقیه - اهم و مهم -

ه) پذیرای ابزارهای نوین زندگی

اسلام از هرگونه تعارض با توسعه تمدن و فرهنگ پرهیز کرده است. انسانها برای تامین نیازها به یک سلسله ابزار و وسائل نیازمندند و این ابزار همراه تغییر اوضاع و شرایط تغییر می کند. در دین هیچ مانعی از بهره مندی از ابزارهای مدرن وجود ندارد. در یک زمان نیرومندی انسانها با تیراندازی و اسب سواری و ... محقق می شود و در زمان دیگر مهارت در استفاده از سلاحهای پیشرفته است. عدم تاکید وجود اسلام روی مظاهر زندگی و تاکید روی مسائل کلی و اساسی زمینه غنای سیستم قانونگذاری در اسلام را فراهم و انطباق آن را با مقتضیات زمان آسان می کند.

و) قواعد و اوصال فقهی (قوانین کنترل کننده)

یک سلسله اصول و قواعد در اسلام وجود دارد که بر قوانین دیگر حاکم است. این اصول بر تمام قوانین دیگر اسلام، اعم از عبادات و معاملات و اخلاقیات و ... حاکم است و آنها را تفسیر، کنترل و محدود می کند مانند قاعده لاضرر.

قوانین تا زمانی قابل اجرا و عمل اند که به مرز ضرر و حرج نرسند و اگر به مرز ضرر و حرج رسیدند این قاعده (قاعده لاضرر) جلو آن را می گیرد.

ز) اختیارات حکومت اسلامی

یکی از عواملی که بسیاری از مشکلات قانونگذاری اسلام را حل می کند، احکام حکومتی است.

احکام حکومتی: تصمیماتی است که حاکم در سایه قوانین شریعت و رعایت موافقت آنها، به حسب مصلحت زمان، اتخاذ می کند و طبق آنها مقرراتی وضع کرده و به اجرا در می آورد.

ملاک احکام حکومتی: مصلحت جامعه در چارچوب قوانین شریعت بودن است. بدیهی است که حاکم اسلامی در تشخیص و رسیدن به مصلحت، از دیدگاههای مشاوران و کارشناسان و متخصصان نیز یاری می جوید.

۵- قلمرو دین:

یکی از مباحث مهم و بسیار جدی در عرصه دین شناسی و کلام جدید، تبیین قلمرو تعالیم و آموزه های دینی است. موضوع قلمرو دین، گاه با عنوان انتظار بشر از دین مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

روش شناسی موضوع

دو روش اصلی در شناخت قلمرو دین:

۱- روش برون دینی ۲- روش درون دینی

۱- روش برون دینی:

در رویکرد برون دینی، از بیرون دین به دین نگریسته می شود. طرفداران این نظریه، موضوع انتظار بشر از دین را مطرح می سازند و معتقدند بر مبنای انتظاری که از دین دارند، حدود و قلمرو آن مشخص می شود. بر اساس این روش، یکی از اساسی ترین معیار برای فهم و مرزبندی آن، قلمرو هدایت و هدف دین است. در این روش، پیش از مراجعه به متون دینی، باید نوع انتظارات و نیازها را به لحاظ اصلی و فرعی بودن آنها، شناسایی کرد و قلمرو دین را بر اساس نیازهای اصلی تعیین نمود.

رویکرد برون دینی از جهاتی قابل ملاحظه است:

الف) فهم دین مشروط به تعیین نوع انتظار بشر از دین است.
ب) شناخت قلمرو دین، مبتنی بر شناختی است که انسان از نیازهای خود دارد.
ج) انسان شناسی مقدم بر دین شناسی است.
د) شناخت و تکنیک نیازهای اصلی از فرعی، از ارکان تشخیص اهداف و قلمرو دین تلقی شده است.
بطور کلی از این روش نمی توان برای شناسایی و تعیین اهداف و مقاصد دقیق دین استفاده کرد.

۲- روش درون دینی:

در این دیدگاه اعتقاد بر آن است که برای یافتن هدف و قلمرو دین باید به متون دینی رجوع کرد و از آنها یاری جست. در روش درون دینی گرچه خود دین بیانگر اهداف و قلمرو خویش است؛ اما این بدان معنا نیست که انسان شناسی، جهان شناسی و معرفت شناسی ما در شناسایی اهداف و قلمرو دین تاثیری ندارند.

سکولاریسم

در برابر این پرسش اساسی که قلمرو دین تا کجا هست و آیا دین برای هدایت انسان در زندگی معنوی، فردی و خصوصی آمده است یا برای هدایت انسان در همه ابعاد زندگی، دو رویکرد متفاوت مطرح شده است:

- ۱- پیوستگی دین و دنیا و کارآیی دین در صحنه های اجتماعی.
 - ۲- جدایی دین و دنیا و جدایی دین از دولت یا سیاست.
- رویکرد نخست در مبحث قلمرو دین اسلام بیان خواهد شد. رویکرد دوم مولود غرب مسیحی است. بیشترین دین پژوهان و دانشمندان غربی چنین می اندیشند که باید مسائلی را که در قلمرو اندیشه و عقل بشری است، از مسائلی که در قلمرو دین است، جدا کرد و از همین جاست که تئوری سکولاریسم زاده می شود.

چکیده سکولاریسم: آن است که باید دین از زندگی دنیوی و اجتماعی انسان حذف شود و به زندگی معنوی و فردی اختصاص یابد.

علل و عوامل ظهور سکولاریسم

اندیشه دنیوی گری و سکولاریسم معلول علل و عوامل مختلف و پرشماری است. برخی مربوط به ۱- دین مسیحیت ۲- رخدادها و حوادث تاریخی و اجتماعی ۳- مبانی نظری و معرفتی به اندیشوران غرب و.....

۱- محتوای متون دینی موجود مسیحیت

در متون دینی مسیحیان شواهد فراوانی بر جدایی دین از حکومت وجود دارد و به جرأت می توان گفت بذرهاى اولیّه این اندیشه در همین متون مشاهده شده است. حضرت عیسی (ع) پیشنهاد مردم را برای حاکمیت نپذیرفت و از تشکیل حکومت پرهیز کرد: "و عیسی چون دانست که می خواهند بیایند او را به زور پادشاه سازند، باز تنها به کوه بر آمد." عهد جدید، باب ۶ شماره ۲۱۵ .

۲- فقدان قوانین اجتماعی و حکومتی در مسیحیت

هنگامی یک دین می تواند ادعای حضور و دخالت در صحنه سیاست و اجتماع را داشته باشد که دارای قوانین و نظام اجتماعی و حکومتی باشد در حالی که آیین مسیحیت فاقد چنین نظامی است و همین، زمینه رشد سکولاریسم را فراهم ساخت.

۳- فساد مالی و اخلاقی در دستگاه کلیسا

روحیه ساده زیستی و زندگی متوسط که از نصایح انجیل و آباء کلیسا بود و کلیسا مردم را بدان موعظه و دعوت می کرد به فراموشی سپرده شد. افزون بر فساد مالی، فساد اخلاقی نیز گسترش یافت.

بازرس پاپ در گزارش خود نوشت: "بسیاری از راهبان، قمار می بازند، لب به لعن و نفرین می آلاینند، در قهوه خانه ها می لولند، قداره می بندند، مال می اندوزند، زنا می کنند، چون باده خواران عیاش زندگی می گذرانند....." (تاریخ تمدن ویل دورانت)

۴- جزمیت، مصونیت و خشونت کلیسا

جزم گرایی، انعطاف پذیری، تعصب و نفوذناپذیری، اعمال و رفتار خشونت آمیز کلیسا با مخالفان، مثلث شومی است که چهره واقعی کلیسای قرون وسطا را به روشنی ترسیم می کند.

کلیسا نه تنها خود را یگانه مرجع معتبر بتورهای دینی می دانست بلکه در قواعد علمی و طبیعی، خود را صاحب نظر می دانست.

به گفته ویل دورانت، کلیسا میان سالهای ۱۴۸۰ تا ۱۴۸۸ در مدت ۸ سال ۸۸۰۰ تن را سوزانده و ۹۶۴۹۴ تن را به کیفرهای مختلف محکوم کرده است.

۴- جنبش اصلاح دینی

اقدارگرایی بیش از اندازه کنشیشان و مفسده های نهاد کلیسا با عکس العمل مردم، به ویژه دانشمندان و متفکران روبرو گردید و در نتیجه نهضت اصلاح دینی شکل گرفت.

این جریان منادی خصوصی و شخصی سازی دین و حذف دین از صحنه های اجتماعی و سیاسی بود و در زمینه سازی و رشد و توسعه تفکر سکولاریسم نقش بسزایی داشت. این نهضت به دست دانتیه با تشکیک در مشروعیت حکومت کلیسا آغاز شد و با متفکرانی چون: ویلیام اکاسی، نیکو لو ما کیاولی و مارتین لوتر ادامه یافت.

قلمرو دین اسلام

یکی از مباحث جنجالی روزگار ما، بحث قلمرو دین است. پرسش اساسی در این حوزه فکری آن است که آیا اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی و آسمانی، به همه ساحت‌های زندگی انسانی، اعم از دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی توجه دارد و برای آنها طرح و برنامه دارد، یا تنها هدایت انسان در عرصه زندگی فردی و خصوصی را هدف گیری کرده است؟

در موضوع روشن شناسی گذشت که برای شناسایی و تعیین اهداف و مقاصد دین، از روش برون دینی نمی توان استفاده کرد.

در رویکرد درون دینی، تشخیص هدف و قلمرو دین اسلام با شیوه های مختلف قابل بررسی است:

- ۱- بررسی هدف بعثت پیامبران
- ۲- مطالعه قرآن و احادیث نبوی و علوی و سیره ایشان
- ۳- بررسی آیات و روایات مربوط به جامعیت قرآن
- ۴- مهدی موعود در آخرالزمان

هدف بعثت پیامبران و تفسیرهای گوناگون از آن

پرسش از غایت بعثت و جهت گیری دعوت پیامبران در اندیشه دینی پیشینه ای بلند دارد. دانشمندان مسلمان با تکیه بر مبانی گوناگون، روشها و رویکردهای مختلف، هدف بعثت پیامبران را به شکلهای مختلفی تفسیر کرده اند:

- ۱- تفسیر دنیاگرایانه دعوت پیامبران
- ۲- تفسیر آخرت گرایانه دعوت پیامبران
- ۳- تفسیر جامع گرایانه دعوت پیامبران

۱- تفسیر دنیاگرایانه دعوت پیامبران

مراد از این تفسیر، تصویری است که قلمرو رسالت پیامبران را در مصالح دنیوی جست و جو می کند و شان و غایت پیام رسولان آسمانی را به زندگی این جهانی بشر محدود می سازد.

اهداف دعوت پیامبران در این تفسیر:

- ۱- عدالت اجتماعی
 - ۲- رفاه آبادانی این جهان
 - ۳- رهایی از اضطراب و رنج دایمی زندگی دنیوی
- دانشمندان مسلمان، بر اساس مبانی معرفتی خود، روی یکی از اهداف یاد شده تکیه می کنند و یا ممکن است تکیه کنند.
- طرفداران عدالت اجتماعی، معتقدند بقای نوع بشر در گرو برقراری عدالت اجتماعی است و تحقق عدالت منوط به قانون جامع و کامل است.
- تحقق چنین قانونی، جز به وسیله انسانهای برگزیده از سوی خداوند که مصداق منحصر به فرد آن، پیامبران هستند حاصل نمی شود.
- بر اساس هدف دوم و سوم از دنیاگرایی، پیامبران مردم را به سوی بهبود وضع معیشتی، آبادانی دنیای مادی و کاهش رنج آدمی فرا می خوانند.
- نظریه "دین برای دنیای بهتر" تفسیری از هدف بعثت است که مبنای برخی از مصلحان اجتماعی مسلمان در دوره تجدد طلبی قرون اخیر قرار گرفته است.

نقد این نظریه

- الف) پرداختن دین به امور دنیا از اهداف فرعی و تبعی به شمار می آید.
- ب) ارائه تفسیری که کاملاً دنیا گرایانه باشد و به عالم غیب و سعادت اخروی بی توجه باشد، به آسانی ممکن و پذیرفته نیست.
- ج) اگر دین تنها برای دنیای بهتر باشد، مقام و شان انبیا را تنزل داده ایم.

۲- تفسیر آخرت گرایانه دعوت پیامبران

جدایی مطلق دین از امور دنیا و نفی هر گونه کارکرد دنیوی از ساحت ادیان، از نظر اندیشمندان مسلمان به صورت نظریه رسمی، آن گونه که نزد متألهان مسیحی مطرح است، وجود نداشته است.

در این نظریه: دین تنها برای آخرت است و امور مربوط به عالم سیاست، حکومت، اقتصاد، فرهنگ و ... به خود مردم وانهاده شده است.

از نظر ایشان رسالت انبیا تنها در دو هدف است:

الف) حرکت به سوی آفریدگار جهان

ب) اعلام دنیای آینده جاودان (معاد)

براساس این نگرش قلمرو دین محدود به امور معنوی و اخلاقی و دعوت به سوی خداست تا در پرتو آن سعادت اخروی انسانها تامین گردد.

۲- تفسیر جامع گرایانه دعوت پیامبران

دیدگاه جامع نگر در تفسیر جهت گیری پیامبران، براین باور است که تعالیم پیامبران، همه شئون زندگی بشر، اعم از زندگی دنیوی و اخروی را شامل است. و پیامبر اسلام (ص) به جهت خاتم بودن، پیامی جامع و کامل برای بشر آورده است.

در این دیدگاه: نبی انسانی است که برای اصلاح انسانها از جهت زندگی و اخروی، از آسمان ماموریت یافته است.

هدف رسالت انبیا: اطلاع وضع معیشتی و معاشرتی انسان در زندگی این جهان و سعادت اخروی است.

دلایل نظریه جامع گرا

مدعیان و مبلغان این نظریه، جامعیت پیام و دعوت پیامبران را به هر دو روش درون دینی و برون دینی اثبات می کنند.

تقسیم دلایل: ۱- دلایل عقلی (دلایل برون دینی) ۲- دلایل نقلی (دلایل درون دینی)

الف) دلایل عقلی:

۱- از نظر حاکمان مسلمان: انسان نه تنها در بقای خویش، بلکه در رسیدن به کمالات نوعی، نیازمند زندگی اجتماعی است؛ یعنی صفات نکوهیده و حمیده او در زندگی اجتماعی به فعلیت می رسند؛ بنابراین شرط لازم رسیدن انسان به سعادت و کمال حقیقی، برخوردار وی از مناسبات اجتماعی سالم است.

۲- پیام و دعوت پیامبران، ناظر به بخشی از زندگی آدمی و غافل از بخش دیگر نیست.

۳- تصویر همه متفکران شیعه و نیز اهل سنت از امامت، تصویر جامعی است؛ یعنی ریاست دین و دنیا. و امامت در تفکر شیعه، تداوم و شعاع نبوت است؛ بنابراین تصویر جامع گرایانه در امامت، در نبوت نیز جریان دارد.

ب) دلایل نقلی: ۱- اهداف پیامبران در قرآن:

قرآن نه تنها آخرت و خدا را هدف بعثت پیامبران می داند، بلکه اصلاح زندگی اجتماعی و دنیوی را نیز از اهداف رسالت آنان معرفی می کند.

- دعوت به پرستش خدا و توحید (انبیا/۲۵)
- دعوت به معاد (انعام/۱۳۰)
- تعلیم و تربیت (بقره/۱۵۱)
- دعوت به تزکیه و تقوا (شعرا/۱۰۶)
- آزادی انسان (اعراف/۱۵۷)
- عدالت اجتماعی (حدید/۲۵)
- اصلاح جامعه و مبارزه با مفسد اجتماعی (هود/۸۸)

۲- سیره عملی پیامبر اسلام (ص)

یکی از روشن ترین دلایل درون دینی بر گستره قلمرو دین اسلام سیره عملی پیامبر اسلام (ص) است. سیره عملی پیامبر (ص) همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی مسلمانان را در بر می گیرد.

نمونه هایی از سیره عملی حضرت محمد (ص):

- اقدام به تشکیل حکومت
- رهبری مسلمانان
- عزل و نصب حکام
- دستورالعمل برای زمامداران
- حل و فصل اختلافات
- منصوب کردن قضات
- انعقاد پیمان نامه ها و عهدنامه ها
- و
- سنت پیامبر (ص) در کنار سه منبع اصیل: قرآن - عقل - اجماع
- خداوند پیامبر را به عنوان الگو معرفی می کند:
- "لقد کان فی رسول الله اسوة حسنة" (احزاب/۲۱)

۲- جامعیت دین

یکی از راه‌های شناسایی قلمرو دین، جامعیت دین است. تقسیم قوانین اسلام به:

- الف) قوانین مربوط به رابطه انسان با خدا
- ب) قوانین مربوط به رابطه انسان با خویش
- ج) قوانین مربوط به رابطه انسان با دیگران

همه نیازهای انسان در چارچوب روابط با خدا، خود و دیگران شکل می‌گیرد. اسلام طرحی است کلی و جامع و همه جانبه و معتدل و متعادل، حاوی همه طرح‌های جزئی و کارآمد.

چگونگی قوانین در اسلام:

الف) در برخی از موارد همه جزئیات بیان شده است.
 ب) در برخی از موارد قواعد و اصول کلی را ارایه شده است.
 احادیث منقول از پیامبر اکرم (ص) بر جامعیت دین تاکید دارند.
 امام باقر (ع) فرمودند: ان الله تبارک و تعالی لم يدع شیئا یحتاج الیه الامة الا انزله فی کتابه و بینه لرسوله (ص).

قرآن به تنهایی روشنگر و بیانگر همه نیازهای انسانی و از جامعیت برخوردار است.
 "ونزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شی و هدی و رحمة و بشری للمسلمین" (نمل/۸۹)

یک پرسش: روشنگری و بیانگری قرآن در چیست؟

پاسخ: همه مسائل مربوط به هدایت انسان.

جامعیت و روشنگری قرآن در زمینه مسائل مربوط به تربیت و انسان سازی است.

۶- تعدد ادیان

در عهد عتیق و عهد جدید و قرآن کریم نام شماری از پیامبران به ویژه پیامبران صاحب شریعت آمده است.

از ظاهر برخی آیات قرآن، دریافت می‌شود که خداوند پیامبران بسیاری را برای هدایت انسانها فرستاده است.

"انما انت منذر و لکل قوم هاد" (رعد/۷)

ایمان به تمام انبیا و همه کتابهای آسمانی، شرط مهم مسلمانی است.

برخی از قراین دینی، آیین محبوس را وحیانی و زرتشت را پیامبر الهی معرفی کرده اند.
 (به کتاب التوحید، شیخ صدوق، تحقیق سید هاشم حسین، ص ۳۰۶ مراجعه شود)

چند پرسش!!!

در رویارویی با این ادیان:

- آیا ماهیت آنها یکی است؟
- اگر ادیان دارای ماهیت واحدند تضادهایی که میان تعالیم عهدین و قرآن به نظر می رسد چگونه توجیه می شود؟
- وظیفه ایمانی ما نسبت به ادیان و کتب آسمانی پیشین چیست؟
- در رفتار و عمل چگونه باید با پیروان دیگر ادیان برخورد کرد؟
- سرنوشت آنان به لحاظ نجات و رستگاری بهشتی یا جهنمی شدن چه خواهد بود؟

دین یا ادیان

- نظر قرآن کریم، ادیان و حیانی با همه جلوه های تاریخی شان دارای ماهیت واحدند.
- نام عمومی این ادیان در قرآن "اسلام" است.
"ان الدین عندالله الاسلام" (آل عمران/۱۹)

تفاوت شرایع و دستورات در ادیان آسمانی از دو جهت

- ۱- تفاوت در مسائل فرعی و جزئی است.
 - ۲- تفاوت در سطح و مرتبه است.
- حقیقت تفاوت ادیان در تکامل دین است نه اختلاف و تعارض ادیان. قرآن تصریح می کند که پیامبران یک رشته واحد را تشکیل می دهند و پیامبران پیشین مبشر پیامبران بعدی بوده اند.
- در سوره آل عمران/۸۱ آمده است:
- "یاد کن هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه با شماست تصدیق کرده البته به او ایمان آورید و حتما پاری اش کنید"

وظیفه ما درباره ادیان آسمانی

از مطالب یاد شده دانسته شد که حقانیت پیامبران و کتابها و توابع آسمانی پیشین، جز تعالیم انکار ناپذیر قرآن کریم است. براساس هر مسلمان معتقدی به صحف ابراهیم و شریعت نوح و موسی و عیسی (ع) نیز ایمان دارد.

از این رو تردید درباره صدق پیامبران و کتابهای آنان تردید در صدق و حقانیت قرآن خواهد بود به همین دلیل می گوئیم:

برای پیروان قرآن ضرورتی ندارد درباره حقانیت این ادیان مطالعه کنند.

قراین موجود در کتابهای آسمانی قبل از اسلام نشان می دهد که این کتابها دقیقا همان آیات نازل بر انبیای گذشته نمی باشد.

تحریف عهدین (تورات و انجیل) از چند جهت:

- ۱- از جهت اصالت سند نشان می دهد که مطالب آن به صورت قطعی و نهایی به دست موسی(ع) تدوین نیافته. بدیهی است کتابی که درباره مرگ موسی سخن گفته، نمی تواند کتابی باشد که بر موسی (ع) از سوی خدا وحی شده باشد.
- ۲- ادبیات و زبان عهدین به گونه ای است که هر خواننده بی طرف می فهمد که آنها به قلم شخص یا اشخاصی گردآمده که راویان موسی و عیسی(ع) بوده اند.
- ۳- انجیلها حتی به نام راویانشان (مرقس، متی، لوقا و یوحنا) شناخته می شوند.
- ۴- تردید درباره حواری بودن قدیمی ترین گزارشگران زندگانی حضرت عیسی(ع) (به کتاب جهان مذهبی، ریچارد بوش و تورات، قرآن و علم، موریس بوکای مراجعه شود).
- ۵- محتوای تعالیم عهدین (تورات و انجیل) مانند:
 - راه رفتن خدا در باغ
 - نزول خدا بر قلّه کوه
 - سرمستی و زناى داوود با زن شوهردار
 - مستی مکرر لوط و زناى او با هر دو دختر به جای مانده از وی
 - ساختن بت و دعوت به بت پرستی توسط هارون
 - فحاشی و مستی نوح
 - تاسّف خدا بر آفرینش خود
 - و نمونه های دیگر و ...

همگی دلالت دارد بر اینکه این کتاب غیر از کتابی است که قرآن آن را نور و هدایت می نامد.

قرآن تاکید می کند که علمای اهل کتاب از پیش خود چیزهایی را درست می کردند و به خدا نسبت می دادند و حتی مطالبی را می نوشتند و می گفتند اینها کتاب خداست.

- به آیات (۷۹- سوره بقره) و (۷۸ - آل عمران) مراجعه شود.

۶- موضوع تجسد خدا در مسیح و تلقی او به عنوان فرزند خدا

- با توجه به مطالب یاد شده و نمونه هایی از این دست، دانسته می شود که بسیاری از تعالیم عهدین مشمول دعوت قرآن مبنی بر لزوم ایمان به کتابهای آسمانی نخواهند بود.

"رویکردهای مختلف درباره ادیان"

- از آنچه گذشت موضوع مسلمانان نسبت به ادیان و کتابهای دینی موجود به ویژه تورات و انجیل روشن شد
- بک پرسش: آیا همه تعالیم موجود در کتابهای آسمانی تورات و انجیل غیر قابل اعتماد و اعتبار است؟

- ایمان آورندگان به هر دینی پیوسته درباره ادیان دیگر سئوالهای متعددی را طرح می کنند در پاسخ به این گونه پرسشها نظریه های گوناگون طرح شده است که به سه تایی آنها که اهمیت بیشتری دارد پرداخته می شود:

۱- حصر گرایی

۲- کثرت گرایی

۳- شمول گرایی

۱- حصرگرایی:

انحصارگرایان معتقدند که رهایی، نجات، رستگاری، کمال یا هر چیز دیگری که غایت دین است، تنها در یک دین وجود دارد و از طریق یک دین خاص بدست می آید.

۲- کثرت گرایی:

کثرت گرایی نظریه ای است درباب حق بودن ادیان و محقق بودن دینداران، و بر آن است که کثرتی که در عالم دین ورزی پدید آمده است حادثه ای طبیعی است که از حق بودن ادیان و محقق بودن دینداران پرده بر می دارد. بنابراین مسیح (ع) برای مسیحیان پیامبر حق است و حضرت محمد (ص) برای مسلمانان.

۳- شمول گرایی:

شمول گرایان پرسش اصلی از تعدد ادیان را به دو مسئله ذیل تبدیل می کنند:

۱- حقیقت کدام است؟ آیا دینی وجود دارد که حق مطلق باشد؟!؟

۲- آیا هیچ راه نجات دیگری خارج از آن دین متصور نیست؟!؟

در پاسخ از پرسش اول: می گویند: تنها یک دین حق وجود دارد و حق مطلق تنها یکی است.

و در پاسخ از پرسش دوم می گویند: پیروان سایر ادیان نیز تا اندازه ای می توانند رستگار شوند.

"صورت‌های مختلف شمول گرایی"

۱- شمول عفو:

یک صورت این است که گفته شود تنها یک دین حق مطلق می تواند وجود داشته باشد و در واقع هم وجود دارد.

سایر ادیان نیز در جاده گمراهی به سر می برند ولی رهروان صدیق آنها مشمول عفو و عنایت ربوبی خواهند شد.

۲- شمول به دلیل حقایق:

در تصویر دوم گفته می شود که تنها یک دین حق مطلق وجود دارد سایر ادیان نیز بهره ای از حقیقت دارند و باطل محض نیستند پیروان آن ادیان نیز به اندازه همان حقایقی که در دینشان وجود دارد از سعادت ابدی بهره مند می گردند.

۲- شمول کفاره:

کارل رینر فرض سومی را پیش می کشد وی معتقد بود که تنها یک دین حق (مسیحیت) وجود دارد و راه اصلی رستگاری نیز یک واقعه رستگاری بخش خاص است و از هیچ راه دیگری نمی توان رستگار شد اما از آنجا که خداوند مایل است همه انسانها نجات یابند و رستگاری فراگیر شود عیسی کفاره ای پرداخت و خداوند برکات عمل رستگاری بخش او را شامل حال همه انسانها کرد.

۴- نسبت در بهره مندی از حقیقت:

در تصویر چهارم می گوئیم ادیان عالم، به ویژه آنها که زمانی دراز مانده اند و توانسته اند پاسخگوی نیازهای پیروانشان باشند بی بهره از حقیقت نیستند اما این گونه هم نیست که همه آنها به یک اندازه حق باشند.

نسبت میان ادیان نسبت میان حق محض و باطل محض نیست بلکه نسبت میان حق بیشتر و حق کمتر است.

میان حق بیشتر و حق کمتر سایر ادیان وجود دارند اما نمی توان گفت کدامیک دارای حق بیشتر کدامیک با حق کمتر و کدامیک بین این دو است.

یک پرسش!!!

حقیقت چیست؟ باید بگوئیم هر دینی بهتر بتواند انسان را از خود پرستی و حاکمیت نفس رها کند و به حق پرستی و حاکمیت مطلق حق تسلیم کند موفق تر و با حقیقت تر است.

- در تفسیر حقیقت اختلاف نظر وجود دارد اما آنچه مهم است پرورش روح حق طلبی در میان پیروان است بنابراین درباره نجات و رستگاری نیز باید گفت کسانی اهل نجات اند که هر چه بیشتر از خود رها شوند و به حق تسلیم گردند.
- در تصویر چهارم یک دین مثلا دین اسلام بیشترین توانایی را برای حق طلبی دارد و پیروان ادیان دیگر نیز به هر اندازه ای که از این روح برخوردار باشند اهل نجات خواهند بود.
- این مسئله یک امر تشریفاتی و نه یک حالت ارفاقی و بی حساب و کتاب است بلکه یک امر واقعی است زیرا هدف اصلی ادیان ساختن انسان است.
- حال اگر دین دیگری غیر از اسلام نیز بتواند چنین هدف مقدس و والایی را برآورد در حقیقت همان کار را می کند که هدف اسلام است.
- پیروان سایر ادیان در صورتی که همین روح را در وجود خویش محقق سازند و دارای ملکاتی مشابه گردند، مستحق عنوان مسلمانی خواهند بود.

"مفید بودن دعوت دینی"

- با این توصیف آیا دعوت به دین اسلام امری لغو و بیهوده نخواهد بود؟
- اگر ادیان دیگر نیز می توانند همین روح انسانی را بیافرینند و همان کارکرد را داشته باشند که مورد نظر اسلام است پس چرا مسلمانان پیروان سایر ادیان را به دین خود دعوت کنند؟
- در پاسخ باید گفت این دعوت برای رستگاری بالاتر و دست یابی به کمال برتر است نه اصل رستگاری.
- روح خیر خواهی انسانی اقتضا می کند که دیگران را نیز در آنچه بهتر می پنداریم شریک سازیم.
- از سوی دیگر شناخت مقدمه عمل و تحصیل ملکات انسانی است هر اندازه این شناخت کاملتر باشد راه برای ساختن هویتی انسانی تر برای خویش فراهم تر است.

"گزینش در میان ادیان"

- پیروان ادیان هر کدام ادعا می کنند که دین ایشان دین برتر است در این صورت چه باید کرد؟
- با این دعاوی متعارض چه باید کرد؟
- اگر شمول گرایی درست باشد و اگر یکی از ادیان از دیگران برتر باشد، راه تشخیص آن کدام است؟

"راه حل‌های پیشنهادی"

- برخی بر راه حل‌های اخلاقی تکیه کرده اند.
- برخی بر سنتی که در طول تاریخ فراهم آمده.
- پاره ای دیگر بر معیار های عقلانی
- دسته ای دیگر بر آزمون تجربی
- به نظر می رسد راه های عقلانی - تاریخی هنوز حجیت و اعتبار خود را دارند و می توانند ما را به مقصودمان راهنمایی کنند.
- بررسیها نشان می دهد که هیچ دینی به اندازه اسلام از پشتوانه عقلانی - تاریخی محکمی برخوردار نیست.
- یکی از ادله وجود چنین پشتوانه ای برای اسلام آن است که هیچ دینی به اندازه اسلام از تاریخ مدون و مکتوب و مسلسل و بی وقفه برخوردار نیست.
- هیچ دینی جز اسلام معجزه جاوید ندارد.
- هیچ دینی نتوانسته است تحولی معجزه وار در مدت کوتاه (نیم قرن) در بخشی عظیم از کره زمین ایجاد کند و از قومی نیمه وحشی ملتی دارای تمدن و فرهنگ و اخلاق بسازد.

"نتیجه بحث"

- به طور خلاصه می توان گفت که حقیقت مطلق تنها یکی است و دین نزد خدا فقط اسلام است.
- قرآن است که دست خوش هیچ تحریفی نشده و کلام ناب الهی است.
- ادیان دیگر نیز در زمینه حقانیت بهره هایی از آن حقیقت مطلق دارند اینجاست که مشمول گرایی در مسئله حقانیت معنا و مفهوم می یابد.
- ادیان گوناگون به دلیل بهره مندیشان از حقیقت و به نسبتی که از حقیقت بهره مند هستند امکان نجات پیروان خود را دارند.
- بر اساس شمول گرایی انسانهای دیگر را باسعه صدر می توان پذیرا شد و همزیستی مسالمت آمیز و با صلح و صفایی با آنها داشت.

بخش سوم**امامت و رهبری**

مقدمه: قبل از پرداختن به اولین مبحث امامت و رهبری به صورت مختصر به مباحث ذیل پرداخته می شود:

- ۱- مبنای جهان بینی توحیدی
 - ۲- نشانه پذیرش ولایت خدا
 - ۳- اجرای قانون
 - ۴- منصبهای پیامبر اکرم (ص)
 - ۵- وحیانی بودن ولایت پیامبر
 - ۶- ولایت پس از پیامبر اکرم (ص)
- بر مبنای جهان بینی توحیدی از آن جا که خداوند مالک تمام هستی است سر رشته و اختیار نیز به دست اوست.
 - کسی که به این بینش توحیدی دست یابد از شخصیت ممتاز و روح مقتدری برخوردار است.
 - کسی که ولایت خداوند را در عمل نپذیرفته و از مسیر حق خارج شده است بی پناه خواهد ماند
 - مومن و جامعه ایمانی که خدا را ولی خود قرار داده است نباید ولایت کفار را که از ایمان به خدا رو گردانده پذیرا باشد.
 - بنابراین فرمانبرداری از غیر خدا نقض ولایت خداوندی است.

۲- نشانه پذیرش خدا در دو عرصه می باشد:

- ۱- عرصه عمل فردی
 - ۲- صحنه اجتماع
- نشانه پذیرش خدا در عرصه عمل فردی، تن در دادن به احکام اوست.
 - نشانه پذیرش خدا در صحنه اجتماع، دل بستن به قانون الهی است.
 - مبنای هر گونه تصمیمی در جامعه مومنان باید خدا و احکام او باشد.

۳- اجرای قانون در مورد دیگران

چند پرسش:

- چه افرادی صلاحیت اجرای احکام الهی در مورد دیگران دارند؟
 آیا به صرف اینکه قانون بر گرفته از دستورات دینی است، هر کسی می تواند آن را در مورد دیگران به اجرا در آورد؟
 کسی دارای صلاحیت است که از حق فرمانروایی و الزام و دستور برخوردار باشد.
 دستگاهی واجد صلاحیت است که مشروعیت داشته باشد.
 این مشروعیت را چه کسی می دهد؟ خداوند یا مردم یا اهل خبره؟
 - بر مبنای جهان بینی توحیدی حاکمیت ذاتا حق خداوند است از این رو نظریاتی که این حق را به انسان ها می دهند بر خلاف منطق توحیدی قلمداد می شوند.
 - در آینده نزدیک به بحث فوق تفصیلا اشاره خواهد شد.
 - خداوند اگر چه دارای حق حاکمیت و تصمیم گیری برای همگان است انسانها را مجبور به پذیرش ولایت خود نکرده است.
 - حق حاکمیت خدا با آزادی انسانها منافات ندارد.
 - خداوند می تواند حاکمیت و ولایت را برای دیگران نیز اعتبار کند مانند: ولایت انبیا.

اقسام ولایت

- ۱- ولایت اصلی و ذاتی = ولایت خداوند
- ۲- ولایت تبعی = ولایت دیگران مانند ولایت انبیا و امامان (ع)

۴- منصبهای پیامبر اکرم (ص):

- ۱- منصب رسالت
 - ۲- منصب مرجعیت
 - ۳- منصب ولایت
- منصب رسالت = ابلاغ پیام الهی (وحی قرآنی)
 منصب مرجعیت = تبیین و تفسیر مضامین وحی (پیش از این به این دو منصب اشاره شد)
 پیامبر(ص) روح وحی را دریافته بود آن را برای مردم تفسیر می کرد و گاه برای روشن تر شدن وحی فروعاتی را بیان می کرد که در کتاب خدا بدین صراحت و جزئی نیامده بود او در تفسیر وحی بری از اشتباه و خطا بود از این رو کلام پیامبر بدون چون و چرا مقبول می افتاد.

بدین ترتیب سنت نبوی که همان گفتار و کردار پیامبر (ص) است مبنای عمل مسلمانان قرار گرفت و پیامبر افزون بر رسالت دارای نقش مرجعیت دینی نیز بود یعنی در تفسیر دین مرجعیت داشتند.

"ولایت پیامبر(ص)"

- پیامبر اکرم (ص) افزون بر منصب رسالت و مرجعیت دینی، دارای ولایت نیز بود.
- آنگاه که این ولایت به اثبات رسید، طبیعی است که مردم نباید تدبیر و قضاوت پیامبر را نادیده بگیرند. زیرا خداوند بعد از خود، او را به ولایت مردم برگزیده است.
- بر این اساس مادام که پیامبر در جامعه حضور داشتند، به مقتضای همین ولایت، رهبر مردم بودند و ریاست عام آنان را بر عهده داشتند.

"دینی بودن ولایت پیامبر"

- اقتضای تشکیل حکومت از جانب پیامبر چه بود؟!!
- تشکیل حکومت از جانب پیامبر، تنها یک ضرورت اجتماعی نبود، بلکه اساسا دیانت اسلام و نوع دستورات آن، چنین منصبی را ایجاب می کرد.
- ده ها وظایف برای پیامبر تنها از جهت اینکه ایشان پیام آور بودند، نبود بلکه از آن رو است که ولایت مسلمانان را نیز عهده دار بودند.

"ولایت پس از پیامبر اکرم(ص)"

- با رحلت پیامبر گرامی (ص) این سؤال به صورت جدی مطرح شد که تکلیف منصب مرجعیت و ولایت پیامبر (ص) چه می شود؟
- آیا با ارتحال پیامبر (ص) تفسیر معصومانه از دین نیز پایان یافت؟
- آیا برای اجرای دین خدا شخص خاصی در نظر گرفته شده است؟
- مطالعه درباره جانشینی پیامبر اکرم (ص) و حقیقت و حقانیت امامت، پیشینه ای دیرین در تاریخ اندیشه اسلامی دارد.
- دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که پس از پیامبر گرامی اسلام باید کسی باشد که امور دینی و دنیوی آنان را رهبری کند، اما در اینکه این امام از سوی چه کسی تعیین می شود، از سوی خدا یا مردم، اختلاف نظر دارند.
- نزاع بر سر جانشینی پیامبر گرامی اسلام (ص) از نخستین مباحثی است که پس از آن حضرت روی داد.

دو نظریه در ولایت پس از پیامبر (ص):

- ۱- نظریه شیعه مبنی بر ولایت علی (ع) و انتصاب الهی ولایت
- ۲- نظریه اهل سنت مبنی بر تعیین ولایت به عهده توده مردم یا اندیشمندان اسلامی بدون انتصاب الهی.

چند پرسش:

- بحث درباره داستان جنجالی و پرماجرایی امامت و اینکه چه کسی می بایست به امامت می رسید چه فایده ای دارد؟
- آیا این بحث یک بحث تاریخی نیست که زمانش سپری شده است؟
- آیا اینگونه بحثها موجب اختلاف بین مذاهب اسلامی نمی شود؟
- تجربه تقریب بین مذاهب اسلامی نشان می دهد که پژوهشهای علمی و واقع بینانه و دور از تعصب و مبتنی بر منابع مورد وفاق و روشهای معقول و مشروع نتیجه بخش خواهد بود.
- نیز امام شناسی در مذهب اهل بیت و برای دانشمندان شیعه خود نقش روش شناختی در باورهای دینی دارد یعنی فهم توحید و نبوت بر آن استوار است.
- امامت شاخص فهم راستین عقاید دینی است و تمایز بین فهم درست از فهمهای نادرست به وسیله امام حاصل می شود.

"چیستی و حقیقت امامت"

- امام، واژه عربی است و به معنای پیشوا، مقتدا، پیشرو و سرپرست آمده است
- در اصطلاح متکلمان شیعه، امامت و به تبع آن امام یعنی: جانشینی پیامبر گرامی اسلام و پیشوایی و ریاست بر عموم مسلمانها در امور دینی و دنیوی برای حفظ شریعت اسلام و تداوم هدایت الهی است.
- از ظاهر تعاریف ارایه شده از سوی متکلمان نشان می دهد تفاوت چندانی میان متکلمان شیعی و سنی در این باره وجود ندارد در حالی که تفاوت دیدگاه شیعه و سنی در تصور امامت بسیار آشکار است.
- اختلاف در مسائل مهمی از قبیل: چگونگی نصب امام، ضرورت و عدم ضرورت عصمت، عدالت امام
- علم امام و ...
- برخی معتقدند متکلمان غیر شیعی دچار تناقض شده اند.
- ریشه تناقض در کجاست؟
- اهل سنت از یک سو به تعریفی پای بند هستند که امام را اسلام شناسی عادل مشروع و جانشین رسول خدا می داند و از سوی دیگر در مقام تعیین مصداق به آن شرایط بی توجه می باشند.
- امامت از دیدگاه شیعه و سنی دو هویت کاملا متفاوت دارد.

"تفاوت شیعه و سنی در تعریف امامت"

- شیعه و سنی در تعریف و حقیقت امامت دارای دو اختلاف اساسی هستند:
 - ۱- نخست کلامی بودن امامت نزد شیعه و فقهی و فرعی بودن آن نزد اهل سنت
 - ۲- دیگر آنکه نزد شیعه نصب امام از افعال واجب خداست و نزد اهل سنت از افعال واجب بندگان خدا.

"تعیین امام"

الف) دیدگاه اهل سنت: اهل سنت در این باره قول و روش یکسان ندارند.

نظریه ماوردی: وی می گوید تعیین امام به دو روش ممکن است:

- ۱- انتصاب امام پیشین
- ۲- انتخاب صاحب نظران و معتمدان (خبرگان)

نظریات دیگر:

- ۱- تعیین امامت با حضور و موافقت همه صاحب نظران و اندیشمندان اسلامی
- ۲- کمترین تعداد در گزینش امام پنج تن از صاحب نظران می باشند
- ۳- امامت به رای سه تن هم تعیین می شود
- ۴- امامت حتی با گزینش یک نفر هم حاصل می شود
- ۵- امامت با اعمال زور و قدرت نیز تعیین می شود و نیاز به گزینش و بیعت ندارد.

ب) **دیدگاه شیعه:** تعیین و انتصاب امام باید طبق نص دینی یا هر امر الهی باشد که حاکی از انتصاب الهی است.

"مرجعیت و خلافت از دیدگاه اهل سنت"**"دیدگاه اهل سنت درباره مرجعیت دینی"**

- به اعتقاد اهل سنت پیامبر اکرم (ص) همه آنچه را که برای امت اسلام و شناخت دین لازم و کافی است از زبان وحی و در قالب سنت خویش باز گفته است.
- با وجود این در سالهای بعد از وفات پیامبر (ص) به تدریج این اندیشه که صحابه پیامبر در تفسیر دین از صلاحیت برخوردارند و وظیفه صیانت از دین بر عهده آنان است قوت گرفت.
- بی تردید در میان صحابه، انسان های برجسته ای بودند که نقش آنان را در انتقال و تبیین سنت پیامبر به نسل بعد از خود نمی توان نادیده گرفت.
- تنها هم عصر بودن با پیامبر نمی تواند مبنای صلاحیت علمی و اخلاقی صحابه باشد.
- محدثین روایاتی را از پیامبر نقل می کردند که به موجب آن صحابه رسول اکرم دارای اجتهاد معرفی می شوند که اگر رایشان در امور اصابت کند ماجورند و اگر خطا کنند معذورند.
- بر مبنای چنین تفسیرهای مسامحه آمیزی از صحابه است که کعب الاخبار یهودی الاصل مرجع علمی در زمان خلیفه سوم می شود او با اندیشه های یهودی گرایانه خود به امر تفسیر اسلام می پرداخت.

"جریان مرجعیت دینی از نگاه اهل سنت"

- این جریان بعد از پیامبر اکرم (ص) در مسیری قرار گرفت که پیروان مکتب اهل بیت از آن راضی نبودند.
- ارزیابی جریان مرجعیت دینی از نگاه اهل سنت توسط علامه طباطبائی:
- خلفای وقت هر چند در ظاهر به اهل بیت احترام می کردند اما در باطن تا می توانستند در تضعیف موقعیت اجتماعی ایشان می کوشیدند.
- از سوی دیگر روز به روز به احترام صحابه می افزودند.

کاستیهای صحابه و عوامل جعل حدیث:

- الف) روح تحقیق علمی در آنها نبوده
- ب) حالت بحث انتقادی در میانشان وجود نداشت
- ج) تالیف و کتابت در بین ایشان ممنوع و قدغن بود
- د) در شعاع کلمه "حسبنا کتاب الله" خود را از هر کتاب علمی مستغنی می دانستند
- ر) نقل اخبار و معارف انبیای گذشته توسط متظاهرين به اسلام یهودی الاصل بوده است، آن طور که دلشان می خواست
- ز) روی آوردن شدید مسلمانان به حدیث و محدثان، جمعی از جاه طلبان و سودپرستان را برای کسب امتیازات اجتماعی تطمیع می کرد و موجب جعل احادیث ساختگی می شد.

- عوامل فوق، دست به دست داده و حدیث را از ارزش واقعی انداختند.
- چرا احادیث از ارزش واقعی انداخته شد؟
- زیرا اولاً: یک رشته احادیث مجعول یا ضعیف جز احادیث مقبول شمرده شد و خرافات بسیاری داخل معارف اسلامی گردید.
- احادیث مجعول در چه موضوعاتی بودند؟
-
- این گونه احادیث در ابواب مختلف یافت می شود از قبیل:

۱- تفسیر

۲- تاریخ انبیا ۳- تاریخ امتهای گذشته ۴- بخش غزوات ۵- وقایع صدر اسلام ۶- و ...

- پیش بینی پیغمبر اسلام درباره جعل حدیث

- راه حل پیامبر اکرم (ص) : حضرت دستور داده بودند احادیثی که از ایشان نقل می شود به کتاب خدا (قرآن) عرضه شود و پس از آن بپذیرند.
- مشکلات اجرای دستور پیامبر (ص): غوغای پیشرفت حیرآور علم حدیث در محیط اسلامی هرگز اجازه اجرای دستور حضرت (ص) مبنی بر عرضه احادیث به قرآن را نمی داد.
- سالها وضع چنین بود تا بالاخره در اثر عکس العملی که داشت حدیث از اعتبار و ارزش افتاد.

ثانیا: در اثر ممنوع بودن کتابت و تالیف احادیث قابل توجهی به دست فراموشی سپرده شد یا از میان رفت .

ثالثا: بسیار شگفت آور است این همه تظاهر که در صدر اسلام به نفع دین می شد و این همه صحابه که تعداد آنها تا دوازده هزار نفر نام برده شده اند روی هم رفته احادیث و روایاتی که از ایشان برجای مانده از چند صد روایت فقهی تجاوز نمی کند.

نتیجه:

- ۱- کمی احادیث و مدارک فقهی نزد اهل سنت موجب شد که ایشان به آرای متناقضی رو می آورند و به فاصله کمی، مساله عمل به قیاس و استحسان که اساسا به معنی رای و نظر شخصی است رواج یافت.
- ۲- برای جلوگیری از هرج و مرج اهل تسنن به فتاوا و آرای چهار نفر از فقها یعنی: مالکی، شافعی، ابوحنیفه و احمد بن حنبل اجماع کردند و اجتهاد به تقلید بی چون و چرا تبدیل شد.

"رهبری اجتماعی در دیدگاه اهل سنت"

- از نظر اهل سنت: الف) منصب حکومت امری ضروری است.
 ب) پیامبر اکرم کسی را بر این منصب منصوب نکردند.
 ج) مشروعیت را تحت اختیارت شخص خاص قرار نداده است.
 "راههای انتصاب خلفا از دیدگاه اهل سنت"
- ۱- با بیعت پنج نفر از صحابه مانند: خلیفه اول
 - ۲- به دستور صلاحید خلیفه قبلی مانند: خلیفه دوم
 - ۳- بر مبنای شورای شش نفره ای که خلیفه سابق تعیین کرد، مانند: خلیفه سوم
 - ۴- تصدی حکومت با بیعت مردم مانند: خلیفه چهارم
 - ۵- از طریق قهر و غلبه مانند: خلفایی که بعد ها روی کار آمدند.
- راههای فوق از دیدگاه اهل سنت، مشروعیت دارد.
 مراجعه شود به:

کتاب احکام السلطانیه، تالیف قاضی ماوردی، ص ۱۰ و کتاب احکام السلطانیه، تالیف قاضی ابویعلی، ص ۲۵

اشاره به برخی از اوصاف خلیفه از دیدگاه اهل سنت:

ایشان می گویند: گاه عدالت و علم را در خصوص اوصاف خلیفه و حاکم اسلامی ملاحظه می شود. با این جود خلیفه ممکن است صلاحیت اخلاقی نداشته باشد؛ اما سلب عدالت، ولایت او را اسقاط نمی کند.

عدالت = صلاحیت عملی

علم = صلاحیت علمی

مراجعه شود به: کتاب اصول الدین، تالیف عبد القاهر بغدادی، ص ۲۷۸ و والغدیر، تالیف علامه امینی ج ۸، ص ۱۳۶

نتیجه بحث:**مشروعیت نصب خلیفه از دیدگاه اهل سنت:**

اولاً: انتخاب در معنای مصطلح آن، مبدا مشروعیت برای قدرت حاکم نیست.
ثانیاً: عملکرد و رفتار ظالمانه، مبدا سلب مشروعیت نیست.

"جایگاه خلیفه در نگاه اهل سنت"

- خلافت از دیدگاه اهل سنت = مقام اجرا + ریاست + حکومت - مقام و منزلت قدسی
 - جایگاه خلیفه از دیدگاه اهل سنت در حوزه فقه و فروع دین مطرح است.
- مراجعه شود به کتاب: امامت و رهبری، مرتضی مطهری، ص ۴۵ و الموافق، قاضی عضد الدین ایچی، ص ۳۹۵

"اهل سنت و مساله نصب امام یا خلیفه"

یک پرسش: چرا پیامبر اکرم(ص) امام یا خلیفه بعد از خود را مشخص نکردند؟!!

پاسخ های اهل تسنن:

- ۱- برخی با استناد گفتار منصوب پیامبر که فرمود: "انتم اعلم بشون دنیاکم" گفتند: مساله خلافت دارای چنان اهمیتی که نیاز به بیان دین و پیامبر داشته باشد، نیست.
- ۲- برخی گفته اند: نصب امام یا خلیفه را پیامبر به صاحب نظران واگذار کرده است.
- ۳- برخی دیگر گفته اند: پیامبر صلاح امت خود را به ایشان واگذار کرده تا مطابق مقتضیات زمان تصمیم بگیرند.

یک پرسش:

آیا اهمال امر امامت و یا واگذاری آن به امامت با توجه به ضرورت های بر خواسته از واقعیتهای اجتماعی عصر بعد از پیامبر اکرم(ص) سازگاری دارد؟!!

مراجعه شود به کتاب: النظام السياسي للدولة الاسلامیه تألیف محمد سلیم العوا.

پرسش دیگر:

آیا انتخاب امام در آن زمان، معهود و معمول بود؟
با اندک تامل در واقعیتهای تاریخی آن دوران، روشن می شود که شیوه انتخاب اساساً معمول نبوده است.

پرسشی دیگر:

واقعیت خلافت از دیدگاه اهل سنت چیست؟
با آنکه کار کرد خلیفه بیرون از مقررات دینی نیست اما منزلتی که اهل سنت برای صحابه قائل بودند، راه را برای اشتباهات زیاد می گوشود و خلافت را مبدل به سلطنت نمود.

منشأنا بسامانیهما در دستگاه خلافت از دیدگاه علی(ع):
آن حضرت تحولات سالهای پیش از خلافت خود را مثبت ارزیابی نمی کنند و منشأ مشکلات را دوری از مرکز حقیقی فضایل یعنی اهل بیت پیامبر می دانند.

"مرجعیت دینی امامان از دیدگاه شیعه"

خلیفه از نگاه اهل تسنن: صرفاً حکومت می کند و عهده دار رهبری اجتماعی است.
امامت از نگاه شیعه: منزلتی دینی و ادامه رسالت پیامبر(ص) است.

ویژگیهای امام از دیدگاه شیعه:

- مرجع دینی.
- گفتار و کردار او یک منبع و سند دینی است.
- عهده داری تفسیر حقیقی دین.
- تصدی ولایت از جانب خدا.
- ولایت معصومانه امام در کنار دستورات و معارف وحیانی.
- تدبیر امور مردم.

یک پرسش و پاسخ:

- از دیدگاه شیعه پس از پیامبر(ص)، مرجعیت دینی بر عهده چه کسانی است؟
- شیعه بر این باور است که امر تفسیر و تبیین و بیان فروع دین بعد از پیامبر(ص) با همان کم و کیف بر عهده امامان است.

انواع کارشناسان دینی و اسلامی: ۱- مجتهدان
۲- امامان

ویژگیهای کارشناسان:

ویژگی کارشناسی مجتهدان: ۱- شناخت اسلام از روی عقل و فکر خود
۲- جایز الخطا بودن

ویژگی کارشناسی امامان:

- ۱- شناخت اسلام از طریق رمزی و غیبی
- ۲- معصومیت

طرح چند پرسش و پاسخ:

- آیا ضرورت وجود امام معصوم با نظریه ختم نبوت و دین کامل منافات ندارد؟
- خیر زیرا که: اولاً: خداوند دستورات را برای پیامبر به طور کامل وحی کرد.
ثانیا: پیامبر نیز بدون هیچ کاستی دستورات را برای مردم بیان کرد.
ثالثاً: چون بسیاری از دستورات، موضوع آنها در زمان پیامبر پیدا شد و بعدها مطرح شد پیامبر آنها را به شاگرد خاص خود گفت و فرمود: تو برای مردم بیان کن.

- ۱- چرا حافظ و نگهبان دین باید معصوم باشد؟
 زیرا در غیر آن صورت، دین از تغییر و تبدیل ایمن نخواهد بود.
- ۲- سر لزوم مرجعیت معصومانه چیست؟
 آمادگی کافی نداشتن مردم برای حفظ دین.

"ویژگیهای نگهبانی معصومانه در دین"

- ۱- این نگهبانی مبتنی بر مقام و منزلتی است که بتواند نا گفته های پیامبر را برای مردم بیان کند.
- ۲- این نگهبانی بر اساس اجتهاد و استنباط شخصی نیست.
- ۳- این نگهبانی ارتباط خاصی را می طلبد که از آن طریق، معرفت دینی بدون عبور از اذهان خطاپذیر، در اختیار مردم قرارگیرد.

استناد اقوال ائمه (ع) به پیامبر (ص) چگونه است؟

- آنچه ائمه (ع) می گویند مستند به پیغمبر است؛ نه به این شکل که پیغمبر به آنها تعلیم کرد، بلکه به آن شکلی که می گوئیم علی (ع) فرمود: "پیغمبر (ص) بابتی از علم به روی من باز کرد که از آن باب هزار باب دیگر باز شد."
- در حدیث معروف ثقلین، امامان را به عنوان عدل و همتای قرآن معرفی می کند.

- جایگاه مرجعیت دینی امامان در حدیث ثقلین:

- پیامبر (ص) عترت و اهل بیت خود را به کشتی نجات امت اسلامی تشبیه می کنند. امام علی (ع) در موارد بسیاری به این مقام و منزلت اهل بیت (ع) اشاره می کنند:
- راز پیامبر به ایشان سپرده شده.
 - آل محمد ستون و پایه دین هستند.
 - آنان دانش را زنده می کنند و نادانی را می میرانند.
 - ما خاصگان و یاران و گنجوران نبوت و درهای رسالتیم.
 - ما درخت نبوتیم و فرودگاه رسالت و

"ضرورت امامت از دیدگاه عقل"

- از مباحث پیشین روشن شد که امامت از نظر متکلمان شیعه، مقامی است الهی و انتصابی.

"یک پرسش و پاسخ"

- چگونه می توان از دیدگاه عقل ضرورت امامت را کشف کرد؟ و چه ضرورتی دارد خداوند اشخاصی را به امامت منصوب کند؟

- دو راه پیشنهادی از متکلمان اسلامی: ۱- راه لطف الهی
 ۲- راه حکمت الهی

- در اصطلاح متکلمان، لطف، آن فعلی است که خداوند درباره بندگانش انجام می دهد تا انجام تکالیف برای آنها سهل و آسان شود. لطف بودن امامت به این معنا است که نصب امام، فعلی از افعال خداست که ضرورتش با تکیه بر یکی از صفات کمالی او، یعنی لطیف بودن، استنباط می شود.
- پیام اصلی استدلال از راه حکمت، آن است که امامت مجوز ختم نبوت است. و حکمت خداوند اقتضا می کند با توجه به ختم نبوت و تحریفهایی که در دین ممکن است صورت پذیرد انسانهایی را با ویژگیهای پیامبر، برای هدایت انسانها هرچند در مدت محدودی انتخاب نماید.

"مرجعیت علمی امام"

- _ اسلام دارای یک رشته معارف و موضوعاتی است از قبیل:
 - قضا و قدر
 - وحی و نبوت
 - جاودانگی و خلود انسان
 - سرنوشت
 - امامت و هبری
 - اختیار و مسئولیت
 - بهشت و دوزخ و....
- مسلمانان در فهم و تفسیر اینگونه مسائل یک رای نیستند و دارای اختلاف عقیده هستند.
- به طریق مشهور از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که امت من مانند بنی اسرائیل که به هفتاد و یک فرقه تقسیم شدند به هفتادوسه یا هفتادو دو فرقه، تقسیم خواهند شد و از این فرقه ها تنها یک فرقه اهل نجات و رستگاری است.
- مراجعه شود به کتاب الخصال، شیخ صدوق، ص ۵۸۴
- چگونه می توان به این اختلافات پاسخ صحیح داد؟ آیا برای پاسخ به این پرسشها و نظریات گوناگون قرآن کافی است؟
- بسیاری از فرقه ها و مذاهب اسلامی حتی در فهم بسیاری از آیات قرآن اختلاف عقیده دارند.
- راستی داوری غیر از قرآن وجود دارد؟!!
- در پاسخ باید گفت: قرآن کریم، دلیل و امام صامت است. تنها امام ناطق وزنده است که می تواند با بهره گیری از علم و مصونیت الهی از حقیقت قرآن دفاع کند. و در هنگامه اختلاف، به داوری بر خیزد.
- دو نقش عمده علمی امام معصوم:
 - ۱- نقش وحدت بخش در تبیین و تفسیر اصول و فروع دین
 - ۲- نقش صیانت و حفاظت از تحریف محتوای دین
- دو شرط ضروری خلافت و جانشینی پیامبر(ص):
 - ۱- علم به کتاب و سنت
 - ۲- مصونیت از خطا در مقام هدایت و پیشوایی

"نتیجه مبحث ضرورت امامت از دیدگاه عقل"

- پیامبر(ص) خاتم انبیا هستند و آیین حضرت(ص) آخرین آیین آسمانی است . باید تمامی آنچه را که بشر تا پایان تاریخ بدان نیازمند است در اختیارش گذاشته شود و بایدحقایق دین در اختیار دستگاهی به نام امام معصوم قرار بگیرد که مردم بتوانند تمام نیازهای دینی خود را از آن دریافت کنند.
- به مقتضای حکمت و لطف الهی، این دستگاه نیز مانند نبوت دارای دو ویژگی باشد:
 - ۱- علم به کتاب(قرآن) و علم به سنت
 - ۲- مصونیت از خطا در تبلیغ و عمل

"مرجعیت سیاسی امام"

- یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در امامت، بررسی اوضاع و شرایط سیاسی داخل شبه جزیره عربستان در عصر بعثت است.
- تهدیدهای جدی در سالهای پایانی زندگی رسول خدا(ص):
 - ۱- تهدیدهای خارجی: الف: از سوی همسایه شمالی مسلمان، امپراتوری روم شرقی: جنگ موته و جنگ تبوک
 - ب: از سوی امپراتوری بزرگ ساسانی
 - ۲- تهدیدهای داخلی: الف: از سوی منافقان
 - ب: جنبشهای ارتجاعی مرتدان

پرسش:

آیا با این اوضاع و احوال، عقل و وجدان و محاسبات اجتماعی می پذیرد که بگوییم پیامبر رحمت همه این مسائل و مشکلات را نادیده گرفت و بدون ساختن یک خط دفاعی پایدار با رهبری فردی شایسته دیده از جهان فرو بست؟!!!

پاسخ:

ارزیابی پیامبر(ص) از مسئله انتخاب و انتصاب می تواند نشان دهد که موضوع رهبری از نظر آن حضرت امرالهی و انتصابی بوده است.

دلایل:

۱- پیامبر اسلام پس از بازگشت از سفر ناموفق طائف هنگامی که قبایل عرب را به اسلام دعوت می کند، بحیره بن ابی فراس، از شیوخ قبیله بنی عامر می گوید: در صورتی اسلام را می پذیرم که جانشینی پیامبر با من باشد حضرت نپذیرفتند و گفتند: امر جانشینی به دست خدا و انتصاب الهی است: هر کجا که بخواهد قرار می دهد. به کتاب ملل و نحل شهرستانی مراجعه شود.

۲- اگر موضوع انتخاب خلیفه در قلمرو و اختیار امت بود باید:
اولاً: پیامبر (ص) اصل موضوع را به مردم گوشزد کند.
ثانیاً: پیامبر مردم را از چگونگی انتخاب و شرایط و ضوابط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان آگاه سازد.

۳- پیامبر در تمام غزوات (جنگهایی که خود حضور داشتند) جانشین خود را در مدینه معین می کردند. چطور ممکن است قبل از ارتحال از این جهان جانشین خود را معین نکنند!!!

۲- امامت از دیدگاه نقل

منظور از نقل کتاب (قرآن) سنت (حدیث) است.

مباحث امامت تقسیم می شود به :

۱- امامت عامه

۲- امامت خاصه

امامت عامه: مباحثی که امامت انتصابی را به صورت کلی اثبات می کند.

امامت خاصه: مباحثی که مصادیق امامت انتصابی را اثبات می کند.

قلمرو بحث ما در این گفتار امامت خاصه است یعنی مطالعه درباره این پرسش که قرآن و سنت چه کسانی را پس از پیامبر خدا به عنوان مرجع دینی و سیاسی مردم معرفی می کند؟

قرآن کریم

در قرآن کریم به آیات بسیاری استتسهاد شده است اما آنچه که بیشتر مورد توجه قرار گرفته آیه ولایت است:

"انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکاة و هم راکعون"
(مائده/۵۵)

تنها ولی شما خدا و رسول و ایمان آورندگانی هستند که اقامه نماز می کنند و در حال رکوع زکات می دهند.

آنچه که مولود آیه را به امامت خاصه سوق می دهد روایات معتبر و پرشماری است که از راههای گوناگون درباره شان نزول آن نقل شده است.

- شان نزول آیه ۵۵ سوره مائده، معروف به آیه ولایت مربوط به زمانی است که علی(ع) در مسجد مدینه در حین نماز گزاردن در پاسخ از مسائلی (گدایی) که در خواست کمک مالی کرد حضرت با اشاره به انگشتر، انگشتر خویش را به او عطا کردند.
- پیامبر پس از آن از خداوند خواستند که علی(ع) را جانشین خود و رهبر و هدایتگر مسلمانان قرار دهد.

"سنت پیامبر"

- مقصود از سنت پیامبر، مجموعه سخنان حضرت (ص) است، که دلالت بر امامت خاصه دارد. یعنی دلالت بر امامت علی(ع) تا حضرت مهدی (عج) دارد.
- **بررسی چهار حدیث:**
 - حدیث ثقلین
 - حدیث منزلت
 - حدیث غدیر
 - حدیث اثنا عشر خلیفه

"حدیث ثقلین"

این حدیث از احادیث متواتر اسلامی است که محدثان آن را به طرق گوناگون از پیامبر خدا (ص) نقل کرده اند که به دو نمونه آن اشاره می شود:

پیامبر (ص) فرمودند: "انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانّهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض "

و "یا ایها الناس انّی ترکت فیکم ما ان اخذتم به لن تضلّوا کتاب الله و عترتی اهل بیتی "

ای مردم به راستی که من چیزی را در میان شما به یادگار می گذارم که اگر آن را بر گرفتید هرگز گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و خاندانم، اهل بیت.

-مراجعه شود به: غایت المرام، تالیف السید هاشم بحرینی، ج ۱، باب ۱۶، ص ۳۶۸-۳۰۵
بر اساس این روایت: هدایت = کتاب قرآن + پیروی از عترت رسول اکرم.

حدیث غدیر

این حدیث مربوط به هیجدهم ماه ذی حجه سال دهم هجری که در سرزمین غدیر خم پیامبر مسلمانان را گرد آورند و جانشین خود را تعیین کردند و سخنانی را ایراد کردند:

گزیده هایی از سخنان پیامبر گرامی اسلام در غدیر خم:

ستایش از آن خداست: از او یاری می خواهیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم .
هان ای مردم نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان شما بروم.
آیا شما گواهی نمی دهید که معبودی به جز خدا نیست و محمد بنده خدا و پیامبر اوست بهشت و دوزخ حق است.

من در میان شما دو چیز گران بها به یادگار می گذارم چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد؟
ثقل اکبر = کتاب خدا + ثقل اصغر = عترت و اهل بیت پیامبر (ص)

هان ای مردم هر که من مولای او هستم علی مولای اوست پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن بدارد خدایا یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار فرما.

مراجعه شود به : الغدیر فی الکتاب و السنة عبدالحسین امینی ج ۱ ص ۳۳-۳۵ .
در میان دانشمندان معاصر علامه امینی در جلد اول الغدیر اسناد و مدلول حدیث غدیر را به تفصیل بررسی کرده است.

منظور از مولا در کلام پیامبر (ص) در این حدیث همان اولی به اطاعت است زیرا:

اولاً: پیامبر فرمودند: آیا من نسبت به شما از خودتان اولتر نیستم؟ سپس فرمودند: هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست آوردن این دو جمله دلالتی جز ولایت و رهبری علی (ع) ندارد.

ثانیا: اینکه پیامبر در آغاز سخنرانی خود از نزدیک شدن مرگ خود اخبار دادند به ضمیمه عبارات فوق نشان می دهد که حضرت (ص) می خواستند خللی را که از رحلت ایشان پدید می آید پر کند و آنچه می تواند این خل را پر کند، امامت و زعامت علی (ع) است. ثالثاً: گزارشهای تاریخی حکایت می کند که بسیاری از اصحاب پیامبر (ص) از جمله عمرین خطاب پس از اتمام سخنان حضرت (ص) ولایت علی (ع) را به حضرتش تبریک گفتند:

نتیجه:

آنچه در غدیر خم به فعلیت رسید جعل مقام ولایت برای علی (ع) از سوی شارع مقدس بود.

حدیث منزلت

حدیثی که در آن پیامبر اسلام منزلت علی بن ابی طالب نسبت به خودش را به منزلت هارون نسبت به موسی تشبیه کرده است حدیث منزلت نام دارد.

پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب (ع) فرمودند:

"انت منی بمنزلة هارون من موسی اّلا انه لا نبی بعدی"

تو نسبت به من بمنزله هارون نسبت به موسی هستی جز آنکه پس از من پیامبری نیست.

در این حدیث جانشینی علی (ع) تشبیه به جانشینی هارون نسبت به موسی شده است.

حدیث اثنا عشر خلیفة

شمار بسیاری از روایات وجود دارد که در آنها پیامبر گرامی اسلام تعداد امیران یا خلیفگان پس از خود را دوازده تن دانسته است.

در برخی از احادیث شمار آنان به دوازده نقیب و سر کرده بنی اسرائیل که برگزیدگان خدا بودند تشبیه شده است.

حدیث فوق در منابع معتبر اهل سنت مانند: صحیح مسلم، سنن ابی داود، جامع الاصول و مسند احمد بی حنبل نقل شده است.

از محدثان شیعی، شیخ صدوق در کتاب الخصال از پیامبر (ص) این حدیث را نقل کرده است.

حدیث اثنا عشر خلیفه به روایت جابرین سمره در دو جا از پیامبر (ص) در حال سخنرانی عمومی شنیده شده است:

۱- در مسجد النبی

۲- در سال حجة الوداع در عرفات

در روایت دیگر از عبدالله بن مسعود پرسش می شود:

آیا شما از رسول خدا چیزی درباره خلافت پس از خودش پرسیدید؟ پاسخ داد:
 "عهد الینا نبینا (ص) اَنَّهُ یكون بعدہ اثنی عشر خلیفة بعدد نقباء بنی اسرائیل"
 "کتاب الخصال شیخ صدوق ص ۶۶۶-۶۸۳"
 پیامبر ما فرمودند پس از او دوازده خلیفه به عدد نقیبان و سرکردگان بنی اسرائیل خواهد بود.

در روایت دیگر:

"انّ هذا الدّین لن یزال ظاهرا علی من ناواه لا یضّرہ مخالف و لا مفارق متی یمضی اثنی عشر خلیفة"

"کتاب المسند احمد بن حنبل ج ۵ ص ۸۷"

درباره این دسته از روایات چند نکته قابل توجه است:

- ۱- پیامبر (ص) اصلاح امت را با خلافت دوازده امام می دانند.
- ۲- دوازده امام از قریش می باشند.
- ۳- عنوانی که پیامبر به این دوازده تن می دهند خلیفه است و در برخی از روایات والی و امیر است.
- ۴- در شماری از روایات دوازده تن تشبیه شده به نقبا و سرکردگان بنی اسرائیل.
- ۵- درباره اینکه منظور پیامبر از این دوازده مرد قرشی چه کسانی هستند منابع روایی اهل سنت ساکت اند.

محمی الدین عربی نام دوازده امام را در کتاب فتوحات مکیه آورده و حتی مهدی موعود (عج) را فرزند امام حسن عسکری می داند.

این نام ها به ترتیب عبارتند از: علی ابن ابیطالب، حسن بن علی، حسین بن علی، علی بن الحسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن محمد الصادق، موسی بن جعفر الکاظم، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی الجواد، علی بن محمد الهادی، حسن بن علی العسکری.

برخی از کتابهای اهل سنت که به شرح حال دوازده امام پرداخته اند عبارتند از:

- مجمل التواریخ و القصص تالیف: ابن شادی
- تذکره الخواص تالیف: سبط بن ابوالفرج جوزی
- مطالب السئول تالیف: محمد بن طلحه شافعی
- تاریخ گزیده تالیف: حمد الله مستوفی قزوینی
- الصواعق المحرقة تالیف: ابن حجر هیثمی و
- برخی از کتابهای شیعه عبارتند از: الکاظمی، تالیف کلینی
- کمال الدین و تمام النعمة، تالیف شیخ صدوق
- الارشاد تالیف شیخ مفید
- الشافی فی الامامة تالیف سیده مرتضی و

گزیده هایی از شان و منزلت امامان از دیدگاه شیعه به بیان شیخ مفید:

- آنان اولوالامرهایی هستند که خداوند به اطاعتشان فرمان داده است.
- آنان گنجینه های علم الهی و ترجمان وحی و ارکان یکتا پرستی اند.
- آنان سبب آسایش زمینیان هستند.

- آنان بندگان گرامی خدایند که هیچ گاه در گفتار بر او پیشی نگرفته اند و در رفتار، فرمانبردار او هستند.
- فرمان آنان فرمان خدای بزرگ و نهی شان نهی خدای متعال است و ...

۲- مهدی موعود (عج)

ما معتقدیم که حجت خدا در زمین و جانشین او بر بندگان در زمان ما همان قائم منتظر است.

خداوند به دو دست وی جهان را خواهد گرفت. او همان مهدی است که هرگاه خروج کند عیسی بن مریم فرود می آید و پشت سرش نماز می گزارد.

مبانی مهدویت

عقاید یاد شده چکیده دهها روایت نقل شده از طریق شیعه و همکیشان سنی است. مبانی اعتقادی و فکری مهدویت عبارتند از:

۱- بشارت ادیان پیش از اسلام

منجی موعود در معنای عامش از ویژگیهای اندیشه بشری است.

آیین یهود

در عهد عتیق (کتاب مقدس عبرانی) عنوان مسیح به معنای مسح شده خداوند، تداعی گر نجات بخشی، رسالت مدار است؛ این عنوان به سه گروه اطلاق شده است:

- ۱- پادشاهان اسرائیل
 - ۲- کاهنان بزرگ
 - ۳- برخی پادشاهان غیراسرائیلی مانند کورش
- از آن پس مسیح باید می آمد تا پادشاهی اسرائیل را زنده کند. ویژگیهای او از نظر یهودیان:
- ۱- پادشاهی مسح شده
 - ۲- دین مداری عادل
 - ۳- پیامبر آخر الزمان از نسل داود
 - ۴- فرمانروای همه امت ها

آیین هندو

اندیشه موعود در آیین هندو با شخصیتی به نام کلکی (kalki) یا کلکین (kalkin) شکل می گیرد.

بنا بر فکر هندویی جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل می شود در چهارمین دوره یعنی عصر کلی سراسر جهان را ستم و تاریکی فرا می گیرد او سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته ظهور می کند تا شرارت و ستم را ریشه بر کند و عدالت و فضیلت را برقرار کند.

آیین بودا

اندیشه منجی موعود در آیین بودا با مفهوم میتیره (maitareya) تبیین می گردد. او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودایان زمینی می دانند که خواهد آمد.

آیین زرتشت

در آیین زرتشت موضوع موعود نجات بخش با مفهوم سو شینت (saoshaiant) گره خورده است. سو شینت از ریشه سو (su) به معنای سود رساننده است.

یونان باستان

در فرهنگ و اندیشه یونان باستان نوید حکومت جهانی مردی بوده است که خواهد آمد تا بر همه بشریت فرمان براند.

آیین مسیح

اندیشه موعود در مسیحیت به سه گونه نشان داده شده است:

- ۱- اندیشه موعود یهودی
- ۲- نوید رجعت عیسی به عنوان داور جهان در آخر زمان
- ۳- شخص دیگری که خود عیسی مسیح وعده آمدنش را داده است. مسیحیان این را همان **روح القدس** می دانند.

۲- بشارت قرآن کریم

- در قرآن کریم وعده داده شده است که روزی حق پرستان و صالحان جهان، وارثان زمین خواهند شد.

"ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادى الصالحون." (انبیا- ۱۰۵)

"ونزیداننّ منّ علی الذّین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین." (قصص -

(۵)

- و اراده کرده ایم که برناتوان شدگان منت بنهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.

- از این آیات و آیات مشابه دیگری به خوبی دریافته می شود که سرانجام، از آن بندگان شایسته و پرهیزگار خدا خواهد بود.

موعود اسلام

- از آنچه گذشت، دریافتیم که امید به رهایی و سعادت انسان، یکی از کهن ترین آرزوهای مقدس، به ویژه در میان دین باوران بوده است.
- سنت و عترت پیامبر با تفصیل بی سابقه ای به این موضوع پرداخته اند.

- ولادت و غیبت مهدی(عج) از مهم ترین نقاط اختلاف میان کلام شیعی و سنی است.
- عناصر مشترک بسیاری بین شیعه و سنی درباره موعود اسلام وجود دارد:
- ۱- لقب او___مهدی
- ۲- نام او___محمد
- ۳- او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.
- ۴- مردم در سایه ولایتش به نعمتی بی سابقه دست خواهند یافت.

"غیبت مهدی (عج) "

- یکی از مهم ترین و دغدغه آمیز ترین موضوعات سده های نخست هجری، موضوع غیبت است.
- عناوین کتابهایی که در زمینه غیبت نگاشته شده، کتاب الغیبه است.
- مهدویت و غیبت مهدی در قاموس روایی اهل بیت، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است.
- از جمله مسائلی که در مهدویت و غیبت مطرح است ، طول عمر مهدی(عج) است.

"طول عمر مهدی (عج)"

- از منظر روایات اهل سنت و شیعه مهدویت مانند نبوت از امور غیبی و از اسرار دینی است.
- موضوع طول عمر مهدی (عج) از سه منظر قابل دفاع است: دین، عقل، علم.
- در سوره عنکبوت آیه ۱۴ تصریح شده که نوح (ع) به مدت ۹۵۰ سال در میان قوم خویش پیامبری کرد.
- در سوره کهف آیه ۱۸ و ۲۵ سخن از خفتن بیش از سیصد سال اصحاب کهف است.
- از ظاهر آیات قرآن استفاده می شود که حضرت عیسی نه تنها نمرده بلکه نزد خدای عزیز و حکیم به حیات خویش ادامه می دهد.
- سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ ق) در کتاب الامالی نام و شرح حال شمار بسیاری از دراز عمران را آورده است. در میان آنان به کسانی با عمری حدود ۱۵۰ تا ۳۰۰ سال بر می خوریم پیش از اینها می توان به جناب خضر (ع) اشاره کرد.
- دکتر الکسیس کارل جراح و فیزیولوژیست بزرگ فرانسوی اثبات کرد که به درون اجزای مورد آزمایش، پیری راه نمی یابد. نتایج او عبارتند از:
- ۱- تا عارضه ای بر سلولهای زنده پیش نیاید همیشه زنده خواهند ماند.
- ۲- اجزای مذکور دارای رشد و تکثیر هستند.
- ۳- رشد و تکثیر آنها قابل اندازه گیری است.
- ۴- گذشت زمان در آنها هیچ گونه اثری ندارد و با مرور زمان ناتوان و پیر نمی شوند.

راز غیبت مهدی موعود (عج)

- در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که در قائم (ع) سنتی از موسی، یوسف، عیسی و محمد(ص) است.
- سنت او از موسی (ع) ___ بیمناک و نگران بودن حضرت.
- سنت او از یوسف (ع) ___ مانند ناشناخته بودن یوسف در میان برادرانش در میان مردم ناشناخته است.
- سنت او از عیسی (ع) ___ سیاحت و گردشگری است.
- سنت از محمد (ص) ___ جهاد است.
- مفاد برخی از روایات این است که غیبت مهدی (عج) پدیده ای ضروری است.
- راز غیبت حضرت تنها پس از ظهور آشکار خواهد شد.

از مجموعه روایات در این باره استفاده می شود:

- اولاً: غیبت حجت‌های الهی از سنت‌های جاری خداست.
- ثانیاً: غیبت اولیای الهی جزئی از امور غیبی است.
- ثالثاً: راز حکمت واقعی غیبت مهدی (عج) را تنها خدا می داند و به دیگران اجازه افشای آن را نداده است.

بخش چهارم: مرجعیت و ولایت در عصر غیبت**۱- تاریخچه و مبانی ولایت فقیه**

- جامعه اسلامی هیچ گاه از رهبر و راهنما بی نیاز نبوده و چنین نیازی به عنوان نیاز اساسی و بنیادی همواره مطرح بوده است.
- مهمترین پرسش در دوران غیبت کبری آن است که :
- تکلیف امت در عصر غیبت چیست؟**
- آیا ممکن است امامان (ع) و به ویژه امام غایب (عج) مردمان را در این دوران بلا تکلیف رها کرده باشند؟

مردم این عصر در تبیین و آموزه های دینی به چه کسی باید رجوع کنند؟
تفاوت رهبران غیر معصوم با امامان معصوم چیست؟

ضرورت نصب جانشینی از سوی امام معصوم (ع)

- بر اساس مبانی کلامی و عقلی، سکوت امامان معصوم (ع) به ویژه امام غایب (عج) جایز نبوده و بر آنان لازم است همچون دیگر احکام و فروع فقهی تکلیف امور سیاسی و هدایت جامعه را مشخص کنند.
- به صورت خلاصه می توان چنین استدلال کرد:

چون ریاست و سرپرستی جامعه ضروری است. و چنین نیازی همیشگی و دایمی است و از سوی دیگر واگذاری این امر به خود مردم روا نیست پس باید رهبران معصوم قبل، رهبری جامعه را بعد از خود مشخص نمایند.

یک پرسش

چرا واگذاری رهبری بعد از معصومین به خود مردم، صحیح و روا نیست؟
 زیرا: اولاً: منشا نزاع و اختلاف شده و منجر به هرج و مرج می گردد.
 ثانیاً: انصاف جانشین به صفاتی لازم است که باید از سوی امام معصوم تبیین شود.
 براساس تبیین صفات و ویژگیهای جانشین امام در عصر غیبت، تئوری ولایت فقیه شکل می گیرد.

"چند پرسش درباره ویژگیهای جانشین امام معصوم در غیبت"

آیا امام هر کسی می تواند جانشین امام معصوم (ع) باشد یا شرایط و ویژگیهای خاصی باید داشته باشد؟

آیا امام معصوم صفاتی را برای جانشین خود مشخص کرده است؟
 آن ویژگیها کدام است؟

"تاریخچه تئوری ولایت و مرجعیت فقیهان"

مسلمانان از همان صدر اسلام با دو مسئله اساسی روبرو بوده اند:

- ۱- غیبت پیامبر و عدم حضور ایشان در بسیاری از شهرها
 - ۲- نیاز مبرم به احکام و دستاوردهای اجتماعی و فردی
- از همان آغاز اسلام به ویژه پس از انتقال به مدینه به علت دور ماندن بسیاری از مسلمانان از پیامبر و تحریف و دستکاری در نقل قولها و .. لازم شد که مسلمانان به نوعی تفقه بپردازند.
- یکی از کارهای مهم پیامبر استحکام تداوم رهبری به وسیله نخبگان دینی بود.
- پیامبر اکرم (ص) می فرمود: جانشینان من کسانی هستند که پس از من راویان احادیث و سنت اند.
- پیامبر پس از ارایه چنین نظریه ای معصومین (ع) را به عنوان جانشینان خاص خود معرفی کردند.
- پس از پیامبر علی (ع) را باید وارث امین او دانست.
- از دیدگاه علی (ع) اگر رهبر جامعه اسلامی اعلم به احکام الهی نباشد مردم را گمراه کرده و خود نیز گمراه خواهد شد.

نظریه ولایت از نیمه دوم سده نخستین تا آغاز غیبت

نیمه دوم سده نخست و نیمه اول سده دوم را باید سالهای بالندگی نظریه ولایت دانست. در این سالها امام محمد باقر و جعفر صادق (ع) در تثبیت حکومت ولایی اظهار نظر می کردند.

این دو امام نخستین دانشگاه علوم اسلامی و علوم تجربی را در مدینه پایه گذاری می کردند.

در زمان امام محمد باقر و جعفر صادق (ع) طبقه فقیهان به صورت رسمی شکل گرفت از شاگردان مکتب صادقین (ع) حداقل در هر شهری یک نفر وجود داشت که پاسخگوی مسائل مردم باشد.

امام صادق (ع) فقیهان را حافظان دین و شریعت می داند.

آن حضرت درباره زرارۀ بن اعین که از نظر او فقیه ترین مردمان زمان خود بود فرمود:

اگر زرارۀ نبود احادیث پدرم از بین می رفت.

درباره هشام بن حکم فرمود: هرکس از او و آثار او پیروی کند از ما پیروی کرده است.

یک پرسش مهم!!!

آیا ولایت فقیهان تنها در مسئله گویی و فتوا است؟

امام محمد باقر و جعفر صادق (ع) ولایت اینگونه افراد را تنها در مسئله گویی و فتوا دادن منحصر نکرده اند بلکه ولایت در قضا و اجرای حدود و زعامت سیاسی را حق ایشان می دانند.

ولایت و مرجعیت فقیهان در عصر غیبت

نقش عالمان دینی و سنت اجتهاد در دوران غیبت آشکار و روشن است.

در عصر معصوم (ع) هرگاه درکار دین و فهم شریعت گره ای می افتاد مراجعه به امام معصوم گره گشایی می کرد لیکن در زمان غیبت وظیفه عالمان دین بس بزرگ و خطیر است. در فرهنگ شیعه در غیاب امامان تفسیر دین بر دوش عالمان و مجتهدان گذارده شده است. از سوی دیگر کسانی که خود از چنین توانایی برخوردار نیستند به طور طبیعی می بایست به کارشناسان دینی مراجعه نمایند.

علوم و معارف بشری آن قدر پرشمار و گسترده اند که انسانهای معمولی نمی توانند به تنهایی بر کوزه ای از بحر آن دست یابند.

یک پرسش

راه چاره برای آن دسته از افراد که جزء عالمان دینی نیستند در شناخت دین چیست؟ تنها راه در دانستنیهایی که به آن دست نیافته اند پرسش از محققان و عالمان است.

بسیاری از دانشمندان گفته اند که چنین تفقه و تقلیدی از زمان پیامبر (ص) و امامان (ع) رواج داشته است.

سنت اجتهاد که همان روش و قواعد مهم معارف دینی است پیرو ضوابطی است.

کسانی که خود را در معرض مرجعیت دینی مردم قرار می دهند باید افزون بر صلاحیت علمی از صلاحیتهای دیگری مانند: صلاحیت اخلاقی، صلاحیت مدیریتی و ... برخوردار باشند. در سالهای غیبت صغری نایبان خاص حضرت ولی عصر (عج) نقش سرپرستی و رهبری امت را زیر نظر امام معصوم بر عهده داشتند. حضرت مهدی (عج) پیش از پایان یافتن دوران غیبت صغری عالمان دین را مرجع همه امور و حجت خود بر مردم معرفی کرده بود.

ولایت چیست؟

واژه ولایت در معانی حب و دوستی، نصرت و یاری، متابعت و پیروی، سلطنت و چیرگی، رهبری و سرپرستی به کار رفته است. هنگامی که واژه ولایت درباره فقیه به کار می رود به معنای زمامداری و سرپرستی است.

اقسام زمامداری و سرپرستی

- ۱- **ولایت تکوینی:** یعنی سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی در آنها. ولی حقیقی اشیا و اشخاص تنها ذات خداوند است. "فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ" (شورا/۹)
- ۲- **ولایت بر تشریح:** این نوع ولایت همان ولایت بر قانونگذاری احکام دین است. این ولایت نیز حق اختصاصی خداست.
- ۳- **ولایت بر مردم:** این ولایت به معنی سرپرستی امور در محدوده و چار چوب قانون الهی است.

ولایت بر مردم در دو مورد به کار رفته است:

- الف) ولایت بر محجوران: مانند: ولایت بر سفیه، مجنون، صغیر و ...
- ب) ولایت بر جامعه خردمندان: این ولایت به معنای تصدّی امور جامعه اسلامی است. ولایت فقیه از این سنخ ولایت است.

فقیه کیست؟

- مقصود از فقیه در مبحث ولایت فقیه مجتهد جامع شرایط است. شرایط و ویژگیهای فقیه جامع شرایط:
- ۱- **اجتهاد مطلق:** یعنی بتواند همه مسائل را از منابع دینی استنباط کند
 - ۲- **عدالت مطلق:** فقیه جامع شرایط کسی است که افزون بر کمال عقل نظری در ناحیه عقل عملی نیز به مقدار ممکن کامل باشد.
 - ۳- **قدرت مدیریت و رهبری:** فقیه جامع شرایط افزون بر اجتهاد و عدالت باید دارای ویژگیهای ذیل باشد:

- ۱- تسلط بر سازوکارهای اجتماعی
 - ۲- آگاهی از خواستها و نیازمندیهای عصر خویش
 - ۳- آگاهی از شرایط زمان خود
 - ۴- شجاعت
 - ۵- قوت اراده
 - ۶- قاطعیت در تصمیم گیری
 - ۷- هنر و استعداد مدیریت
- از این امور در روایت به حسن الولاية تعبیر شده است.
در اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای رهبر مشخص شده است.

۲- ولایت مطلقه فقیه

ولایت مطلقه فقیه یکی از ابهام برانگیزترین مفاهیم فقهی _ سیاسی است.

تصور نادرست از ولایت فقیه

برخی از نویسندگان قید مطلقه را به معنای رها بودن از هر قید و شرطی و نفی هرگونه محدودیت و ضابطه ای در اعمال ولایت از سوی فقیه معرفی کرده اند.
باید بیان کرد که: هیچ فقیهی از آن این معنی را اراده نکرده است.
این تصور نادرست شاید ناشی از مشابهت لفظی میان ولایت مطلقه و حکومت مطلقه است.
در واژگان سیاسی حکومت مطلقه به معنای حکومت استبدادی به کار می رود.

ولایت مطلقه غیر از حکومت مطلقه است زیرا:

اولاً: فقیه جامع شرایط که مدیریت جامعه اسلامی را بر عهده می گیرد به دلیل ویژگیهای درونی احتمال استبداد درباره او بسیار اندک است.
ثانیاً: وصف فقاقت و اسلام شناس بودن اقتضا می کند که جامعه بر اساس الگوهای الهی رهبری شود.
ثالثاً: عدالت فقیه باعث می شود که شخص فقیه خواسته های نفسانی خود را بر دیگران تحمیل نکند.
رابعاً: سیاست و درایت ایشان موجب می شود که نظام اسلامی بر محور مشورت با صاحب نظران و متخصصان جامعه اداره شود.

تفسیر درست ولایت فقیه

اگر بخواهیم تفسیر درستی از ولایت و طلقه را ارائه دهیم باید بدانیم که این واژه تعبیر دیگری از ولایت عامه در برابر ولایت محدوده و مقیده است که در سخنان و کلمات فقیهان گذشته بارها ذکر شده است.

چند پرسش:

آیا ولایت فقیه حق دارد در همه حوزه های مربوط به امور امت اعمال ولایت کند؟
 آیا اختیارات ولایت فقیه مساوی با اختیارات معصوم است یا محدودتر از آن؟
 درباره گستره ولایت فقیه در میان فقهای شیعه بر سرد و موضوع اتفاق نظر و بر سر یک موضوع اختلاف نظر است.

موضوع اول: فتوا دادن است.

موضوع دوم: قضاوت که فقیه به اختلافهای مردم و اجرای حدود الهی می پردازد.
 موضوع سوم: ولایت به معنای حق تصمیم گیری و تصرف در امور مردم که در این خصوص دیدگاههای گوناگونی مطرح است:

۱- ولایت در اموری که نیاز به ولی دارد ولی متولی خاصی ندارد مانند: ولایت بر: اطفال نابالغ، دیوانگان، اموال غایب و...

۲- ولایت بر همه امور عمومی مسلمانان به معنی حکومت و تدبیر امور سیاسی و اجتماعی.

۳- ولایت بر امور عمومی و خصوصی مسلمانان این ولایت اختصاص به پیامبر (ص) و امامان دارد و برای فقیه جامع شرایط چنین ولایتی ثابت نیست و از دایره بحث ما خارج است.

امور خصوصی و شخصی مانند: به کسی دستور دهند که همسر خود را طلاق دهد یا اموالش را بفروشد و مانند آن.

مسائل و مصالحی که در دایره زندگی خصوصی افراد قرار دارد و هیچ گونه ارتباطی با حوزه عمومی ندارد تحت ولایت مطلقه فقیه قرار نمی گیرد.

امام خمینی (قدس سره) مدافع اصلی ولایت مطلقه فقیه معتقد است که این ولایت شامل امور خصوصی زندگی افراد نمی شود و این مقام ویژه معصوم است.

بنابراین ولایت حداکثری به معنای سوم برای فقیه قابل اثبات نیست و هیچ گونه اختلاف نظری در این مسئله وجود ندارد.

موضوع بحث و اختلاف نظر بین دو تصور حداقل اولی، حداکثری دوم است.

بیشتر فقیهان دایره ولایت فقیه را در گستره حداکثری یاد شده در تصویر دوم می پذیرند به این معنا که قلمرو ولایت فقیه در شئون مربوط به حکومت درست به اندازه امام معصوم (ع) است.

پایان